کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۱۴۴، ۱۵ آذر ۱۴۰۰

دورهٔ هشتم، سال سی و هشت

به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

دانشگاه سنگر آزادی و مبارزه برای عدالت است!

یکی از مستحکم‌ترین و پیگیرترین گردان‌های مبارز جنبش‌های مردمی کشورمان در بیش از هشت دههٔ گذشته به‌یقین جنبش دانشجویی بوده است، جنبشی که در ایران حداقل از سال ۱۳۳۲ در فضای سیاسی و اجتماعی کشور نقشی بسیار جدی، فعال، و مؤثر داشته است.

حرکت‌های دانشجویی علیه ظلم و استبداد در کشور ما از بدو پیدایش دانشگاه‌ها در ایران همواره به‌صورت فعال وجود داشته است، بااین‌حال، ۱۶ آذر ۱۳۳۲ نقطه عطفی تاریخی در مبارزات دانشجویی و مبارزات دموکراتیک و مردمی میهن‌مان است. در

ادامه در صفحه ۲

حزب تودهٔ ایران یورش وحشیانهٔ نیروهای امنیتی رژیم به مردم و کشاورزان اصفهان را شدیداً محکوم می‌کند!

صفحهٔ ۳

به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب تودهٔ ایران منتشر شد

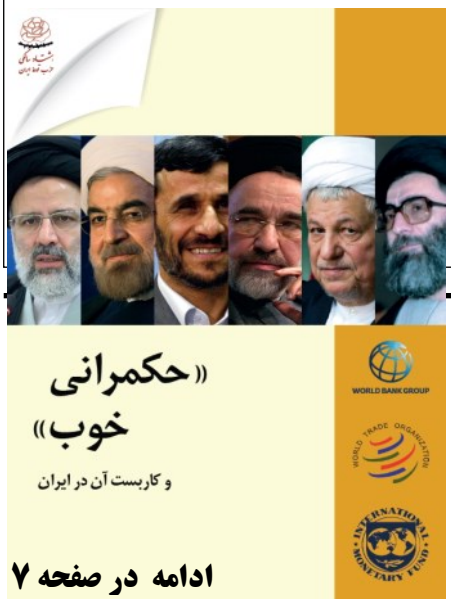

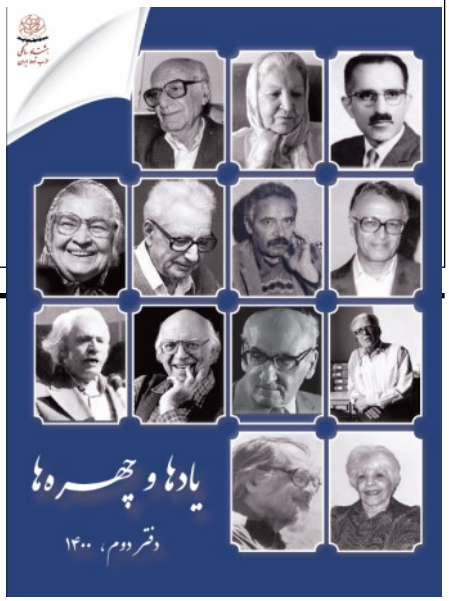

ادامه در صفحه ۷

راهکرد رژیم ولایی: «بودجهٔ عبور از تحریم» با نسخهٔ «انقلاب خصوصی‌سازی اقتصاد ایران»!

همه شواهد و رویدادهای اخیر حکایت از آن دارند که سران رژیم ولایت فقیه و دولت رئیسی (همانند دولت‌های سلفش) در باتلاقی از بحران و منجلابی از فساد ساختاری فرومانده‌اند و توان رهایی از اَبَربحران‌های گوناگون و چندوجهی در داخل کشور و حل یا لااقل مدیریت آن‌ها را ندارند. صاحبان قدرت در رژیم ولایی به‌رغم گرفتن ژست‌ها و سر دادن شعارهای توخالی‌شان می‌دانند وضعیت موجود به شکل کنونی قابل‌دوام نیست. دیر یا زود سطح اعتراض توده‌های جان به‌لب رسیده به آستانه انفجار خواهد رسید و بار دیگر برای "حفظ نظام" به تقابل مستقیم با مردم و سرکوب‌های گسترده و خونین ناگزیر خواهند شد.

اکنون روشن شده است که تضاد داخلی- یعنی تضاد میان ادامه داشتن حاکمیت ولایت فقیه با خواستِ مردم برای دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی و اجتماعی- حل‌شدنی نیست و نخواهد بود و چندان تفاوتی نمی‌کند که

ادامه در صفحه ۶

پیام همبستگی حزب تودهٔ ایران به کنگرهٔ حزب کمونیست عراق ص۹

راه ما برای ساختن سوسیالیسم در هند ص ۱۰

در سوگ مبارزی پیگیر در راه طبقهٔ کارگر و زحمتکشان ایران ص۱۲

شیلی: انتخابات تاریخی در شرایط شکاف عمیق اجتماعی ص ۱۶

ضمیمهٔ کارگری «نامهٔ مردم»، شمارهٔ ۵۳ منتشر شد!

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ به مناسبت ۱۶ آذر ...

این روز اتحادی وسیع از دانشجویان کشور با دیدگاه‌های سیاسی‌ای گوناگون علیه کودتای آمریکایی- انگلیسی و درمقابله با تثبیت دیکتاتوری محمدرضا پهلوی به‌وجود آمد. در چنین روزی با هجوم دژخیمان رژیم کودتا ده‌ها دانشجو به خاک و خون کشیده شدند و در این میان دو دانشجوی مبارز توده‌ای (مصطفی بزرگ‌نیا و مهدی شریعت‌رضوی) به‌همراه دانشجوی مبارز جبهه ملی (احمد قندچی) در خون خود درغلتیدند و در راه رهایی میهن جان باختند.

رژیم وابسته پهلوی بر این گمان بود که می‌تواند با هجوم وحشیانه و جنایت‌کارانه‌اش جنبش دانشجویی را درهم بشکند و سکوت قبرستانی را بر دانشگاه‌ها حاکم کند، اما به‌رغم بازداشت‌های وسیع و زندانی و اخراج کردن بسیاری از دانشجویان مترقی، امواج این مبارزه نه‌تنها فرو ننشست، بلکه این روز تاریخی به روز تجدید عهد دانشجویان در ادامهٔ مبارزه با دیکتاتوری زیر لوای شعار جاویدان "اتحاد، مبارزه، پیروزی" تبدیل شد. شیوهٔ هجوم وحشیانه رژیم وابسته پهلوی شیوه‌ای بوده است که تا کنون رژیم ولایت فقیه نیز در برهه‌های زمانی گوناگون ازجمله در حمله به کوی دانشگاه به‌کار برده است تا به‌وسیلهٔ آن خشم و هراسش را همزمان از خیزش موج‌های جنبش دانشجویی نشان دهد. در روز پنجشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۷۸، اعتراض‌های مسالمت‌آمیز دانشجویان در محوطهٔ کوی دانشگاه در ارتباط با حکم حکومتی خامنه‌ای در مسکوت گذاشتن لایحهٔ "اصلاح قانون مطبوعات" با یورش ددمنشانهٔ انصارحزب‌الله ـ که در پشت گاردهای ضد شورش نیروهای انتظامی پنهان شده بودند ـ رو به‌رو شد و در خلال آن بسیاری از دانشجویان زخمی و عده‌ای نیز جان باختند. چنین یورشی به اعتراض‌های دانشجویی در تاریخ دانشگاه‌های کشور کم‌سابقه بود. رژیم "ولایت فقیه" نیز مانند رژیم پهلوی که از توان فراوان جنبش دانشجویی آگاه بود، باهدف محدود کردن فعالیت‌های دانشجویان و به‌کنترل درآوردن این جنبش، از همان سال‌های اولیه به‌قدرت رسیدن، ترفندهایی فراوان در این راستا به‌کار زد. از "انقلاب فرهنگی" گرفته تا "ستاره‌دار" کردن دانشجویان، "سهمیه"ای کردن دانشگاه‌ها، ایجاد تشکل‌های دانشجویی اسلامی زیر کنترل خود و پادگانی کردن محیط دانشگاه‌ها، تنها بخشی از سیاست‌های رژیم علیه دانشجویان بوده و هست. در چند دهه گذشته کشور ما سرکوب دائمی و خشن این جنبش پویا، گسترده، و فعال را همواره شاهد بوده است، هرچند که سران رژیم در "سخنرانی‌ها" و "وعده‌های انتخاباتی"شان به دفاع از دانشجویان و جنبش دانشجویی و به‌رسمیت شناختن تشکل‌های صنفی و "سیاسی" آنان تظاهر کرده‌اند[1].

سران رژیم و در رأس آنان علی خامنه‌ای، جنبش دانشجویی و "فعالیت‌های سیاسی" آن را در چارچوب خواست‌های رژیم مجاز می‌دانند به‌طوری که در راستای تقویت حکومت عمل کند یا به برخی فعالیت‌های صنفی محدود باشد. خامنه‌ای در نشست‌های گوناگونی که در سال ۱۳۹۶ با استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها داشت، این چارچوب را چنین ترسیم می‌کند:

"من همواره بر کار سیاسی در دانشگاه‌ها تأکید داشته‌ام و حتی سال‌ها پیش گفتم، خدا لعنت کند کسانی را که بساط فکر و کار سیاسی را در دانشگاه‌ها جمع کردند... وجود این فضا برای دوران پرانرژی دانشجویی اشکالی ندارد اما اشکال آنجا است که از این محیط برای مخالفت با انقلاب و ارزش‌های انقلابی بهره‌برداری شود. ... وجود گرایش‌های مختلف سیاسی در دانشگاه‌ها مانعی ندارد اما مسئولان دانشگاه‌ها اعم از مدیران ارشد وزارتخانه و رؤسا و اساتید باید همواره مدافع و هدایت‌کننده فضای چالشی دانشگاه‌ها به‌سوی مبانی و اهداف انقلاب اسلامی باشند و به‌هیچ‌وجه نباید از گرایش‌های مخالف انقلاب حمایت شود" [باشگاه خبرنگاران جوان، ۱ فرودین‌ماه ۱۳۹۶].

البته برای خامنه‌ای و دیگر سران رژیم معنای "گرایش‌های مخالف انقلاب" رشد افکار چپ و مترقی در دانشگاه‌هاست.

علی خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان دانشجویان ضمن اعتراف به نفوذ اندیشه‌های مارکسیستی- توده‌ای در میان دانشجویان ازجمله گفته است: "حالا خوشبختانه شکست کمونیسم به معنای شکست تفکّر مارکسیستی در دنیا تلقّی شده و درست هم همین است. البتّه من شنیده‌ام در دانشگاه ما یک جریان‌هایی باز دارند حرف مارکسیسم را دوباره زنده می‌کنند، منتها این، دمیدن در کوره‌ی خاموش است این، نقش بر آب زدن است؛ دیگر به درد نمی‌خورد. ... لکن حالا شنیده‌ام بعضی‌ها [دنبال این هستند] که اگر واقعیت داشته باشد و الان جریان مارکسیستی به‌صورت فکری در دانشگاه ما فعّال باشد... همان‌هایی که عضو حزب توده بودند و بیست سال زندان هم کشیده بودند، بعد آمدند در تلویزیون جمهوری اسلامی، بدون اینکه فشار و زوری وجود داشته باشد، 'غلط‌کردم‌نامه' را نوشتند و خواندند؛ این را شماها شاید یادتان نیست؛ مال سال‌های اوایل [دهه‌ی] ۶۰ است... این جزو اسناد بسیار باارزش صداوسیما است؛ نگذارند از بین برود؛ این‌ها خیلی چیزهای باارزشی است. خب، بعد از این حرف‌ها، حالا همان‌ها برمی‌دارند کتاب می‌نویسند و جزوه می‌نویسند به‌عنوان دفاع از مارکسیسم؛ خب این مسخره است" [به‌نقل از پایگاه خبری علی خامنه‌ای: (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255)].

سران رژیم ولایی غافل از این هستند ـ یا شاید بدانند و مانند بسیاری امور دیگر منافع‌شان اقتضا می‌کند خویش را به‌جهالت بزنند- که به‌رغم تمامی فشارها و محدودیت‌ها و گزینشی کردن پذیرش دانشجویان بر اساس "اعتقادات دینی"، این گروه عظیم اجتماعی و سازندگان آیندهٔ کشور، برآمده از قشرهای گوناگون جامعه‌اند و خواست‌های‌شان در ارتباط تنگاتنگ با خواست‌های جامعه است. نمی‌توان خواست‌های به‌حق این جنبش را از خواست‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی مردم و جامعه جدا ارزیابی کرد، از همین روست که در چند سال گذشته دانشجویان در شرایط گوناگون پا به‌پا با جنبش مردمی همراه بوده‌اند و از حرکت‌های سیاسی و صنفی و اقتصادی و اجتماعی کارگران، زنان، و جوانان دفاع کرده‌اند.

فعالان جنبش دانشجویی به‌درستی به این درک رسیده‌اند که سیاست "چانه زدن" در بالا و اصلاحات از بالا که مدت‌زمانی طولانی از طرف اصلاح‌طلبان حکومتی تبلیغ و ترویج می‌شد نمی‌تواند در روند کاهش مشکلات مردم و برطرف کردن کاستی‌ها تأثیری اساسی داشته باشد. دانشجویان به‌درستی این آگاهی سیاسی را دریافته‌اند که تغییرات زمانی می‌توانند تأثیرگذار باشند که در پیوند با حرکت‌های مردمی و قدرت گرفتن نهادهای واقعی مردم و به‌نفع توده‌ها صورت بگیرند، نهادهایی که بتوانند تغییرات بنیادی به سود مردم را هدایت کرده و استحکام بخشیده و حفظ کنند.

جنبش دانشجویی به‌عنوان یک گردان تأثیرگذار و مؤثر اجتماعی بخشی از جنبش مردمی میهن‌مان در مقابله با استبداد ولایی است و یکی از مقاصد رژیم با افزایش فشارها و تهدیدها ایجاد گسست و جدایی این بخش از جنبش با دیگر جنبش‌های مردمی و به‌ویژه کارگران و سایر زحمتکشان کشور است. بااین‌حال نگاهی به تاریخ مبارزاتی دانشجویان و جوانان کشور نشان می‌دهد که به‌رغم برخی عقب‌نشینی‌ها و کاهش فعالیت‌ها، ارتجاع حاکم هرگز قادر نخواهد بود مانع رشد جنبش دانشجویی در کشور شود و در این میان، روز تاریخی ۱۶ آذر به‌یقین روز عهد و پیمان دوباره جوانان و دانشجویان میهن‌مان با دیگر نیروهای مردمی کشور علیه استبداد دینی برآمده از حاکمیت ولی فقیه خواهد بود.

---

۱. در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد فضای فعالیت دانشجویی در اثر سرکوب‌ها بسیار محدود شد و پس از او حسن روحانی هم با وعدهٔ باز کردن فضای دانشگاه‌ها به مبارزه انتخاباتی‌اش رونق داد، ولی بااین‌حال این روند سرکوب دانشجو ادامه یافت چندان که به‌گفتهٔ محمود صادقی (نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس) در سال ۱۳۹۶ -دوره دولت روحانی- هنوز مسئله اعتقادات سیاسی سبب محرومیت دانشجویان می‌شد. به‌گفته محمود صادقی: "بعضاً دانشجویی به من مراجعه کرده و به‌صرف اینکه در حین انتخابات، فعال و از پشتوانه‌ها و به‌عبارتی سرمایه‌های اجتماعی آقای حسن روحانی بوده، از تحصیل محروم شده است. ... معتقدم این روا نیست که دانشجویی به‌دلیلی که گفتم و یا اینکه چون در فلان فعالیت شرکت و گرایش خاص سیاسی دارد، از ادامه تحصیل بازبماند" [خبرگزاری ایلنا، ۱۹ آذرماه ۱۳۹۶].

حزب تودهٔ ایران یورش وحشیانهٔ نیروهای امنیتی رژیم به مردم و کشاورزان اصفهان را شدیداً محکوم می‌کند!

بر اساس گزارش‌های رسیده، نیروهای امنیتی رژیم ولایت فقیه در شبانگاه چهارشنبه سوم آذرماه ۱۴۰۰ در یورشی وحشیانه به کشاورزانی که برای اعتراض به سیاست های فاجعه بار رژیم در مورد مدیریت آب تحصن و در بستر زاینده‌رود چادر زده بودند شمار زیادی را مجروح و دستگیر کردند و چادرهای کشاورزان را به‌آتش کشیدند. ادامهٔ این یورش در روزهای پنجشنبه و جمعهٔ چهارم و پنجم آذرماه به مردم معترض اصفهان با مقاومت گسترده و زدوخورد مردم با گزمگان رژیم همراه بود. اعتراض‌های گستردهٔ مردمی به بی‌آبی که از دو هفته پیش نخست از سوی کشاورزان اصفهان آغاز شده بود و با استقبال هزاران تن از شهروندان اصفهانی روبه‌رو شد، به شهرکُرد مرکز استان چهارمحال بختیاری و دیگر شهرهای حومه اصفهان گسترش پیدا کرد. پیش از این هم در خلال روزهای ماه‌های گذشته مردم در سراسر خوزستان به بی‌آبی در سرزمین رودخانه‌های جاری به‌اعتراض برخاسته بودند. این اعتراض‌ها به رغم تلاش های رژیم برای دامن زدن به اختلاف های قومی و منطقه ای بار دیگر گستردگی تنفر و انزجار مردم از حاکمیت ظالم و ضد مردمی فقیهان و دستگاه‌های امنیتی و سرکوبگر سپاه و بسیج را در گوشه‌وکنار میهن‌مان نشان می‌دهند. شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای به‌سوی مردم در اعتراضی مدنی و صلح‌آمیز و کتک زدن وحشیانهٔ خون‌بار همراه با دشنام سالمندان، زنان، کودکان، و مردمی جان‌به‌لب رسیده که ادامهٔ حکومت ستمگرانهٔ جمهوری اسلامی دیگر برایشان تحمل‌ناپذیر شده در کنار عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی-اجتماعی و دامنه‌دار شدن اعتراض‌های گوناگون کارگران، معلمان، بازنشستگان، و دانشجویان نیز آشکارا نشان دهندهٔ شرایط بحرانی عمیق حاکمیتی ارتجاعی است که تنها پاسخش تشدید هرچه بیشتر جو سرکوب و اختناق است.

بر اساس آخرین گزارش‌های رسیده، به‌دنبال ورود نیروهای انتظامی و امنیتی که با ضرب و شتم و تیراندازی به‌سوی معترضان همراه بوده، دستکم ۲۱۴ نفر ازجمله ۱۳ کودک بازداشت شدند. دست‌کم ۱۹ نفر از مجروحان اعتراض‌های روز گذشته تنها در بخش‌های چشم‌پزشکی مراکز درمانی بستری هستند و منابع رسمی حال ۲ تن را نامساعد گزارش کرده‌اند. بر اساس گزارش خبرگزاری هرانا)ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران(، اغلب بازداشت‌شدگان ابتدا به مقر سپاه پاسداران به‌نام "صاحب‌الزمان" واقع در بلوار صوفه یا به پایگاه بسیج به‌نام "قدوسی" واقع در خیابان گلزار جنوبی منتقل شده‌اند. تعدادی از این شهروندان به‌شرط دادن تعهد و تحویل مدارک شناسایی‌شان تا ساعت‌های پایانی شب آزاد شدند و حدود ۱۵۰ تن نیز به محل‌های دیگری ازجمله زندان اصفهان، زندان خمینی‌شهر، و ندامتگاه زنان اصفهان منتقل شدند.

محمدرضا میرحیدری، فرمانده نیروی انتظامی اصفهان، در مصاحبه با صداوسیمای رژیم، از همکاری نیروی انتظامی، بسیج، سپاه، و دستگاه اطلاعاتی برای سرکوب و بازداشت معترضان خبر داد. به‌گفتهٔ او شماری از معترضان زخمی شده و برخی از نیروهای امنیتی و انتظامی نیز مجروح شده‌اند. روزنامهٔ کیهان شریعتمداری، بلندگو و ارگان تبلیغاتی علی خامنه‌ای، شهروندان معترض اصفهان را "اراذل اجاره‌ای" نام داد. کیهان در یادداشتی این اعتراض‌ها را مشابه اعتراض‌های آبان ۹۸ و مستلزم "برخورد انتظامی و قضایی قاطعانه" با آن‌ها دانست.

حزب تودهٔ ایران یورش وحشیانهٔ دیگر بار گزمگان رژیم ولایت فقیه به مردمی جان‌به‌لب رسیده که به اعتراض‌هایی مسالمت‌آمیز بر ضد ظلم و استبداد حاکم دست زده‌اند به‌شدت محکوم می‌کند و از همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه جهان می‌خواهد تا با ابراز همبستگی با مبارزات مردم میهن‌مان، آزادی فوری و بدون قیدوشرط شمار زیاد دستگیر شدگان روزهای اخیر را خواستار شوند.

اوج‌گیری دوبارهٔ اعتصاب های کارگری از جمله در ایران خودرو، معادن و صنایع تولیدی در کنار اعتراض‌های مردمی در گوشه‌وکنار کشورمان از بحران علاج‌ناپذیر رژیمی ضد مردمی و ضد انسانی‌ای که امروز به‌باور اکثریت قریب به‌اتفاق مردم میهن‌مان سد اساسی راه پیشرفت و استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران است حکایت می‌کند. ضرورت ابراز همبستگی‌ای مردمی و هماهنگ و به‌چالش طلبیدن همگانی رژیم که درواقع فلج کردن چرخ‌های دستگاه‌های حکومتی است یگانه تدبیر گشودن راه به گذار از حکومتی است که ادامه آن مترادف ادامهٔ فاجعه، فقر، محرومیت، و بدبختی در کشور است. حزب تودهٔ ایران همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه را به تلاشی مشترک برای سازمان دهی اقدام های موثر و همکاری‌ای دوشادوش با جنبش مردمی رو به‌گسترش میهن‌مان فرامی‌خواند.

حزب تودهٔ ایران
۷ آذر ۱۴۰۰

ادامهٔ راهکرد رژیم ولایی: بودجهٔ عبور از تحریم ...

سودهای نجومی شرکت‌های خصوصی انحصاری عامدانه توزیع عادلانه و ضروری واکسن در سطح جهانی را مانع شده‌اند.

حزب تودهٔ ایران حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را از حقوق بنیادی کشورمان دانسته و همواره از آن دفاع کرده است. ما همچنین معتقدیم که پروژه هسته‌ای در دو دههٔ گذشته به اهرمی خطرناک و ضد منافع ملی برای پیشبُردِ سیاست‌های خارجی ماجراجویانهٔ رژیم ولایی عمل کرده است. حزب تودهٔ ایران، در کنار مردم و دیگر نیروهای مترقی کشورمان، از راه‌های عملی و اصولی کاهشِ تنش‌های بین‌المللی که نقض کنندهٔ حاکمیت ملی میهن‌مان نباشند استقبال می‌کند، اما با وجود این بر این نظریم که در پشت درهای بسته بار دیگر برای "تداوم نظام" منافع ملی کشور را بر اساس توصیه‌هایی مانند ضرورت "انقلاب خصوصی‌سازی اقتصاد ایران" به‌حراج خواهند گذاشت،

در این صورت، یقیناً توصیه‌های کسانی مانند موسویان پیش‌زمینه‌ای خواهد بود برای همکاری‌های بین دولت‌های کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌های بزرگ مالی جهانی با رژیم ولایی و لایه‌های فوقانی بورژوازی متصل به هرم قدرت در کشورمان.

رشد اقتصادی بر محور انباشت ثروت‌های خصوصی، قوانین بازار آزاد برای استثمار نیروی کار، و تاراج منابع کشور راه به جلو نیست. در شرایط مشخص کنونی با در نظر داشتن گستردگی و عمق بحران زیست‌محیطی کشورمان، بازسازی گسترده اقتصاد ملی با در نظر داشتن اهمیت موضوع "توسعهٔ پایدار" برای حفظ محیط زیست فقط از طریق برنامه‌ریزی مدون ملی بر محور رشد سرمایه‌های انسانی به‌هدف توسعه اقتصادی-اجتماعی امکان‌پذیر خواهد بود. ولی قبل از هر چیز می‌بایست معضل تحریم‌های اقتصادی- مالی کمرشکن را به‌طور ریشه‌ای حل کرد.

تأملی بر رویدادهای ایران

نبود شرایط ایمنی در معدن‌های ایران

بررسی اخبار رسیده از صنایع معدن در کشورمان نشان می‌دهند که مدتی طولانی نمی‌گذرد که از حوادث غم‌انگیز در معدن‌های میهن‌مان باخبر نشویم. این حوادث غالباً با خسارت‌های جانی و مالی گسترده‌ای توأم هستند. آنچه در این مورد مزید بر علت است، بی‌تفاوتی مسئولان در بخش دولتی و صاحبان معدن‌ها در بخش خصوصی است. برای نمونه، بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی کشور، در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم در شهرکُرد در ۲۱ تیرماه ۱۴۰۰، در کمال بی‌توجهی به وظایف حاکمیت در این بخش با اظهار برخی بدیهیات از پذیرش مسئولیت شانه خالی کرد و گفت: "فعالیت در معدن استانداردهایی دارد که باید رعایت شود. گاهی این استانداردها رعایت نمی‌شود؛ برخی اوقات هم رعایت می‌شود، اما گاهی هم مقصر صاحب معدن یا کارفرما یا پرسنل است که وسایل ایمنی را در اختیار دارند اما از آن استفاده نمی‌کنند که در بسیاری معادن این‌گونه بوده است. در این مواقع دیگر مدیر معدن مقصر نیست، گاهی هم اصلاً تجهیزات مناسب در معدن نیست که یک بخشی صاحب معدن و یک بخش هم حاکمیت مقصر است که امکان واردات برخی تجهیزات را نمی‌تواند فراهم آورد. حوادث معدنی در تمام دنیا رخ می‌دهد کما این‌که در جاده‌ها هم حادثه رخ می‌دهد و دلایل متعددی دارد و هر فرد یا سازمان متولی به‌نوعی مقصر است، در حوادث معدنی هم همین ماجرا است" [!!]. او در پاسخ به این سؤال که معادن کشور و به‌تبع استان چقدر با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد، گفت: "آیا جاده‌های ایران استانداردهای دنیا را دارد؟ پس واقعیت این است که در هر زمینه‌ای ممکن است عقب باشیم..." [!]

آمار سوانح و تلفات ناشی از نبود ایمنی در معدن‌ها می‌تواند باز گوی نیاز به قوانین و سیاست‌های لازم برای جلوگیری ازاین‌گونه حوادث و اجرای آن‌ها در معدن‌های میهن ما باشد. در تیرماه ۱۳۹۹، معاونت پژوهش‌های تولیدی و زیر بنایی، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن وابسته به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارشی با عنوان: "چالش‌های ایمنی معادن در ایران ۱- نقش فناوری‌های نوین در ارتقای ایمنی معادن" را ارائه کرد. نویسندگان این گزارش که می‌بایست به آمار سوانح در این بخش از صنایع دسترسی داشته باشند، در مورد عدم شفافیت دراین‌باره نوشته‌اند: "آمار دقیقی از حوادث رخ داده در معادن منتشر نشده است و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اطلاعات جامع، تفکیک شده و بررسی‌های دقیق و ریشه‌ای از ابعاد حوادث معدنی در ایران در دسترس نیست." این گزارش ثبت اطلاعات را موکول کرده است به کاربرد فناوری‌های نوین. این به‌نوبه خود باعث شگفتی است که گزارشی که می‌بایست ایمنی در معدن‌های کشور ما را هدف پژوهش خود قرار دهد، با ارائه اشکال و جدول‌هایی متعدد به‌تفصیل به آمار سوانح و قوانین و موجود برای جلوگیری از سوانح معدن‌ها در ایالات‌متحده آمریکا پرداخته است و از آمار و چگونگی حوادث در معدن‌های کشور ما اظهار بی‌اطلاعی می‌کند!

تعداد حوادث در معدن‌های کشور ما به‌علت‌های مختلف ازجمله نبودن قوانین و تسهیلات ایمنی و روش‌های کاری مناسب یا پیگیری نکردن آن‌ها در سطحی گسترده متداولند. محمدجواد رحیم‌دل، استادیار مهندسی معدن در دانشگاه بیرجند، در نوشته‌ای با عنوان: "تجزیه‌وتحلیل آسیب در محل کار در معدن‌های ایران، ۱۳۹۹"، بیشترین تعداد عوامل حوادث در معدن‌ها را وقوع انفجار، افتادن کارکنان معدن در حین کار، شوک برقی، تصادف وسایل نقلیه معدن، برخورد با ابزار و ماشین‌آلات تیز، و ریزش دیواره معدن می‌داند. او ضمن بررسی این عوامل نشان داده است که بیشترین تعداد حوادث در بخش معدن‌های زغال‌سنگ بوده است. در این نوشته، او به حادثه غم‌انگیز معدن زغال‌سنگ یورت در ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ در استان گلستان اشاره می‌کند. در این حادثه در اثر استفاده نادرست از یک باتری برای راه‌اندازی موتور دیزل کشنده لکوموتیو و وجود داشتن سنسور گاز اشتعال آور متان (یکی از ابتدایی‌ترین ملزومات ایمنی) در عمق ۱۳۰۰ متری معدن و بروز انفجار ۴۳ کارگر زحمتکش جان خود را از دست دادند و ۷۵ نفر زخمی شدند. رئیس دادگستری استان گلستان اعلام کرد بر اساس جمع‌بندی گزارش کمیته حقیقت‌یاب، مقصر حادثه کارفرما بوده است. کلاً آمار ارائه شده در این نوشته تحقیقی نشان می‌دهد که فقط در بخش زغال‌سنگ هرسال برای هر هزار نفر از کارگران معدن بیش از صد حادثه کاری وجود داشته است. این تعداد حادثه به‌طور محسوسی از حد متوسط رقم مشابه در بخش معدن در سایر کشورهای جهان بیشتر بوده است.

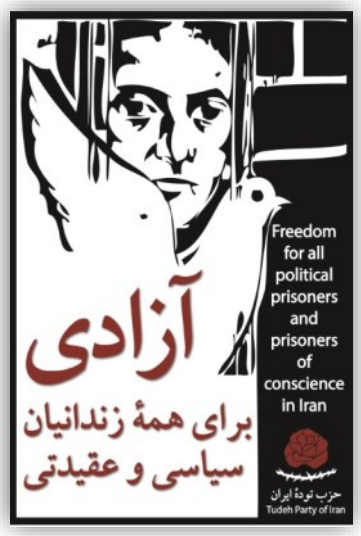

بی‌اعتنایی به موارد زیست‌محیطی و گسترش آلاینده‌ها در صنایع معدن و تأثیر آن‌ها بر طبیعت

نبود سرمایه‌گذاری و پیگیری نکردن در اجرای قوانین به‌منظور حفاظت از محیط زیست در بخش معدن نتایجی وخیم در محیط زیست کشورمان به‌همراه داشته‌اند. محمدرضا بهرامن، رئیس خانه معدن ایران، در ادامه صحبت‌هایش پیرامون وضعیت معدن‌ها با خبرگزاری ایرنا، می‌گوید: "توجه به مسائل محیط زیستی و آب در ساخت و توسعه معادن و مجتمع‌های صنعتی بسیار مهم است، اگر از این امور غفلت شود... نتیجه آن مواجهه با بحران آب و ایجاد مشکلات زیست‌محیطی خواهد بود، چنانکه دست‌کم چهار مجتمع فولادی در مناطقی ایجاد شده‌اند که مشکل آب دارند" [!].

بی‌توجهی به مسائل محیط زیستی و آب در ساخت و توسعه معادن در بسیاری از نقاط کشور ما شرایطی فاجعه‌بار در منطقه اطراف معدن ایجاد کرده است. یک معضل عمده برای صنایع معدن این است که در اثر نبود سرمایه‌گذاری کافی در این بخش و استفاده این صنایع از تکنولوژی‌هایی قدیمی و ماشین‌آلاتی فرسوده میزان آلایندگی‌ها در محیط زیست انسانی افزایش یافته‌اند. ازجمله عامل‌هایی در دیگر ایجاد خطر برای محیط زیست انسانی، از استخرهای تجمع پساب و انباشت مواد باطله در مجاورت معدن‌ها می‌توان نام برد. در معدن‌های مس، سرب، و روی، بیشترین تأثیرهای منفی درنتیجهٔ انباشت باطله‌ها و پسمانده‌های عملیات فلوتاسیون، ذوب فلز، و فرایند تولید کنسانتره ایجاد می‌شوند. در معدن‌های طلا کاربُرد مواد شیمیایی حاوی سیانور و نشت آن‌ها در طبیعت برای محیط زیست منطقهٔ مجاور معدن‌ها مشکلاتی جدی به‌وجود می‌آورند.

برای نمونه به وضعیت معدن آندریان در آذربایجان شرقی که با سرمایه‌گذاری یک شرکت خارجی احداث شده است می‌توان اشاره کرد. دو سال پیش جمعی از فعالان و تشکل‌های زیست‌محیطی آذربایجان شرقی در نامه‌ای سرگشاده به قوه قضائیه رسیدگی به بحران آلودگی معدن طلای آندریان را خواستار شدند. به‌گزارش خبرنگار ایلنا در بهمن‌ماه ۱۳۹۸، فعالان محیط زیست در این نامه با تأکید بر ضرورت حفظ سلامت محیط زیست به استفاده از ترکیبات سیانور در استحصال طلا از معدن آندریان اشاره کردند و با ابراز نگرانی از آلوده شدن منابع آب‌وخاک منطقه ارسباران رسیدگی به بحران زیست‌محیطی معدن طلای اندریان در شهرستان ورزقان آذربایجان شرقی را خواستار شدند. نزدیک به دو سال پس از ارسال نامه فوق به مقام‌های قضایی، بابک محبوب علیلو، دادستان مرکز استان آذربایجان شرقی، از شرکت بهره‌برداری کننده از معدن طلای آندریان انتقاد می‌کند و می‌افزاید: "متأسفانه به‌رغم پیگیری‌های متعدد، این شرکت به تعهدات خود در زمینه مشارکت در مسئولیت‌های اجتماعی، الزامات زیست‌محیطی و... عمل نکرده و دغدغه‌های مردم و مسئولان استان را مرتفع نساخته است." علاوه بر رعایت نکردن امور حیاتی حفظ محیط زیست منطقه، به‌گفته اللهوردی دهقانی (نماینده مردم ورزقان در مجلس شورای اسلامی) در اثر بی‌توجهی به حفاظت معدن، عدهٔ بسیار زیادی به برداشت‌های غیرمجاز روی آورده‌اند که موجب حوادث و تلفات جانی در نتیجه ریزش معدن شده است.

مسلط شدن سرمایه‌داری دیوان‌سالار و بنیادهای انگلی بر بخش چشمگیری از اقتصاد کشورمان و نبود سرمایه‌گذاری‌ای مفید در بخش‌های تولیدی ازجمله معدن‌ها و صنایع معدنی، توسعه نیافتن این بخش از صنایع و ایجاد مانع‌هایی متعدد به‌منظور استفاده مردم میهن ما از این سرمایه ملی پیامد آن بوده است. این سیاست به‌نوبه خود باعث نبود شرایط ایمنی برای زحمتکشان شاغل در معدن‌ها و بی‌اعتنایی به حفظ امر حیاتی محیط زیست و گسترش آلاینده‌ها در صنایع معدن و تأثیر مخرّب آن بر طبیعت کشور ما شده است.

توسعه معدن‌ها و صنایع معدنی در راستای منافع مردم و میهن‌مان است. جلوگیری از بهره‌کشی وحشیانه از کارگران معدن‌ها، و تاراج منابع ملّی کشور ما درگرو حذف حاکمیت مُطلق ولایت فقیه به‌منظور برپایی حکومتی ملی- دموکراتیک است که منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما را در سرلوحه برنامه خود قرار می‌دهد.

گسترش فقر در کشور و ژرف‌تر شدن شکاف طبقاتی

رویدادهای چند سال اخیر از کودتای انتخاباتی ۱۳۸۸ و پایمال کردن خشن و قهرآمیز آرا و سرکوب خواست‌های آزادی‌طلبانهٔ میلیون‌ها ایرانی به‌فرمان ولی فقیه، و سرکوب خشن و خونین اعتراض‌های توده‌ای در دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ گرفته تا خیزش اخیر در اعتراض به بی‌آبی در خوزستان، اصفهان، و شهرکرد که با ورود نیروهای انتظامی و امنیتی و ضرب‌وجرح معترضان و تیراندازی به‌سوی آنان در خوزستان و اصفهان به‌خون کشیده شد، همگی از ماهیت دیکتاتوری سرکوبگر و ضد مردمی رژیم اسلام‌گرای حاکم حکایت دارند، رژیمی که سرکوب و فساد و غارت ثروت‌های ملی متعلق به مردم جریانی نهادینه شده در آن است. امروز در حالی که اکثریت قریب به‌اتفاق مردم میهن ما در چنگال فقر و محرومیت و بی‌عدالتی دست‌وپا می‌زنند، "نظام نمونه" جهان به‌قول سران رژیم درواقع امر جز حکومت عمیقاً فاسد نظامیان، نمایندگان بزرگ‌سرمایه‌داری بوروکراتیک و تجاری، و مشتی تاریک‌اندیش که برای حفظ "نظام"شان به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند چیزی دیگر نیست. این نظام نه‌فقط جنبش‌های مسالمت‌آمیز اجتماعی و اعتراض‌های حق‌طلبانهٔ به‌اعترف خود سران‌شان برحق را با خشونت سرکوب می‌کند، بلکه ظرفیت و پذیرای حتّی کوچک‌ترین اصلاحات را هم در ساختار خود ندارد. اعتراض‌هایی که بر سر مشکل کم‌آبی و بی‌کفایتی مسئولان در اصفهان به وقوع پیوست، از فاصله طبقاتی و وضعیت معیشت مردم نشان دارد. عمیق‌تر شدن درهٔ عظیم میان فقر و ثروت و پدید آمدن قشری وسیع از حاشیه‌نشینان در شهرها در کنار میلیون‌ها بیکار بر بافت اجتماعی ، تأثیرهایی مهم بر جای گذاشته است. بر اساس آمارهای موجود و به‌اعتقاد کارشناسان بازار کار، ۷۰ درصد خانواده‌های کارگری در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بر این بنیاد است که در پی هر تغییر یا تحوّلی که وضعیت معیشتی مردم جان به‌لب رسیده را با دشواری‌هایی تازه رو به‌رو کند آنان به خیابان‌ها می‌آیند و به‌ضد حکومت فاسد و ظالم فریاد اعتراض سر می‌دهند. ارزیابی حرکت‌های اعتراضی مردم در سال‌های اخیر این واقعیت را نشان می‌دهد که محور اصلی همهٔ اعتراض‌ها فقر و محرومیت زحمتکشان، بی‌عدالتی و تبعیض، فساد نهادینه شده و گسترده در دستگاه‌های دولتی، و بی‌آیندگی نسل جوان کشور است که در برخی از استان‌های کشور با بیکاری ۷۰ درصدی روبه‌روست. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، در آبان‌ماه سال جاری "۱۸ استان تورم بالاتر از میانگین ۴۸٫۳ درصدی دارند."

به‌گزارش روزنامه اعتماد، ۶ آذرماه ۱۴۰۰، بررسی تورم استانی نشان می‌دهد که "۲۵ استان نرخ تورمی بالاتر از ۴۴٫۴ درصد میانگین کشوری در آبان‌ماه داشتند. البته نکته‌ای که در بررسی داده‌های نرخ تورم استانی وجود دارد، بالا بودن این نرخ در استان‌هایی است که طی روزهای اخیر محلی برای اعتراض‌های معیشتی و آبی بوده‌اند. استان‌های اصفهان، یزد، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال‌وبختیاری نرخ تورم سالانه‌ای به‌اندازه ۴۴٫۶، ۴۵٫۶، ۵۰٫۵ و ۴۹٫۳ درصد داشته‌اند."

گزارشگر روزنامه اعتماد در ادامه این گزارش می‌نویسد: "در سال جاری ۲۵ استان تورمی بالاتر از تورم کل کشور داشتند که این نسبت برای آبان ماه سال گذشته، ۱۱ استان گزارش شده بود؛ بدین معنا که به فاصله یک سال علاوه بر افزایش ۵۳ درصدی تورم، ۱۴ استان نیز به لیست استان‌های با تورم بالاتر از میانگین کشوری اضافه شدند. این امر نشان می‌دهد که قیمت سبد کالاهای خوراکی و غیرخوراکی تا چه میزان در کشور افزایش یافته است. وقتی قیمت‌ها در سبد خوراکی‌ها بالا می‌رود عمدتاً این بخش به دهک‌های پایین جامعه اثر بالاتری می‌گذارد و آن‌ها مجبورند از کالاهای بادوام، کمتر استفاده کنند، چراکه مجبورند بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف تأمین خوراکی یا اجاره‌بهای مسکونی کنند. ازاین‌رو انتظار می‌رود که در سال جاری ضریب جینی کشور نیز بالاتر رود که به‌معنی شکاف عمیق بین طبقات جامعه است."

بر اساس گزارش‌های رسمی در استان‌های مرزی مانند ایلام، بوشهر، آذربایجان شرقی و غربی، کردستان، کرمانشاه، و اردبیل، وضعیت تورم بدتر از سایر استان‌هاست، به‌گونه‌ای که نرخ تورم سالانه در این استان‌ها به‌ترتیب ۵۲٫۲، ۴۵٫۸، ۴۸٫۸، ۴۸٫۸، ۴۹٫۱، ۴۶٫۵ درصد گزارش شده است. در بین استان‌های کشور، ایلام بیشترین نرخ تورم را دارد. نکته دیگر در خصوص این استان‌ها، بالا بودن آمار بیکاری است. با کنار هم قرار دادن نرخ بیکاری (به‌خصوص پس از شیوع کرونا در کشور) و بالا بودن نرخ تورم می‌توان به‌این نتیجه رسید که بیشتر استان‌های کشور درگیر رکود تورمی هستند، رکود تورمی‌ای که در شرایط فعلی گریز از آن آسان نخواهد بود، زیرا کسری بودجه سال جاری در حدود ۳۰۰ هزار میلیارد

تومان است و سال آینده نیز انتظار می‌رود بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان باشد. گزارش‌های مراکز رسمی نشان می‌دهند که در یک سال منتهی به آبان‌ماه امسال، کمینه و بیشینه نرخ تورم، افزایشی بوده‌اند. کم‌ترین تورم سالانه در آبان‌ماه ۹۹ مربوط به استان آذربایجان غربی با حدود ۲۶ درصد و بیش‌ترین تورم نیز مختص استان هرمزگان با ۳۴٫۲ درصد بوده است. این در حالی است که بیش‌ترین نرخ تورم در ماه گذشته مربوط به استان ایلام با ۵۲٫۲ درصد و کم‌ترین نرخ تورم نیز به استان قم با ۴۰ درصد اختصاص داشت. مقایسه دو ماه آبان ۹۹ و آبان سال جاری (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که علاوه بر روند افزایشی نرخ تورم، ترکیب استان‌ها نیز تغییر کرده است. به‌عنوان مثال، در سال گذشته استان‌های مرکزی و خراسان رضوی به‌ترتیب کم‌ترین تورم را پس از آذربایجان غربی داشتند. اما این دو استان امسال در زمره استان‌های با تورم بالاتر از میانگین قرار گرفتند. مطابق با این آمار مرکز آمار ایران، نرخ تورم دوازده‌ماهه منتهی به آبان‌ماه ۱۴۰۰ برای خانوارهای روستایی به ۴۸٫۳ درصد رسید. بالاترین نرخ تورم دوازده‌ماهه مربوط به استان ایلام با ۵۵٫۷ درصد و کم‌ترین آن مربوط به استان سیستان‌وبلوچستان با ۴۱٫۹ درصد است. افزون بر این‌ها، در وضعیت اقتصادی بسیار وخیم کنونی، و با وجود کمبودها و گرانی کمرشکن، کارگران و دهقانان با مزدهای کم، بیش از دیگران در زیر خط فقر قرار می‌گیرند. تورم بهای اجاره خانه، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها نیز از دیگر مواردی است که بر سبد هزینه خانوارهای کشور تأثیر می‌گذارد. بر اساس آمارهای رسمی، نرخ تورم نقطه‌ای در این گروه از کالاها به ۲۶٫۷ درصد رسیده است که ۱۷ استان تورم بالاتر از آن داشته‌اند. بزرگ‌ترین عامل هزینه‌ای در سبد خانوارها اجاره مسکن است که در استان تهران به ۴۷ درصد هزینهٔ خانوار می‌رسد و در شهر تهران این رقم از ۶۵ درصد نیز بیش‌تر است. همچنین، در مناطق شهری استان‌های البرز، هرمزگان، و قم اجاره‌بهای خانه به‌ترتیب ۳۰ درصد، ۲۸ درصد و ۲۷ درصد از بودجهٔ خانوار را می‌بلعد که در مقایسه با میانگین ۱۵ تا ۲۰ درصدی جهانی، رقم بسیار بالایی است. البته در گزارش‌های مرکز آمار و بانک مرکزی ردیف‌هایی برای تعیین سهم مسکن در هزینه خانوارها وجود دارد که در این ردیف ها، هزینه‌های مسکن همه خانوارها اعم از مالک و مستأجر بر اساس اجاره نقدی و هزینهٔ حامل‌های انرژی و هزینه استهلاک محاسبه می‌شوند. این شاخص نیز با وجود اختلاف جدی با واقعیت هزینه‌های مسکن، همواره بالاتر از ۳۰ تا ۳۵ درصد برآورد می‌شود. با توجه به بحران اقتصادی- اجتماعی ژرف حاکم بر کشور که بی‌برنامگی در همه عرصه‌ها ازجمله مسکن یکی از شاخص‌های بارز آن است، در چشم‌انداز آینده حکومت اسلامی می‌توان دید که بحران مسکن همچنان وخیم‌تر خواهد شد و محرومیت‌ها و فشارهایی کمرشکن و مرگبار تازه‌ای بر زحمتکشان وارد خواهد آمد و زمینه‌ای مساعد برای چپاول باز هم بیشتر اجاره‌داران، زمین‌خواران، و بورس بازان را فراهم‌تر خواهد شد.

به‌باور ما، حل بنیادین مسائل کشور تنها با برنامه‌ریزی‌های جامع کوتاه‌مدت و درازمدت و سرمایه‌گذاری‌های تعاونی و دولتی‌ای وسیع در دولتی مردمی حل‌شدنی است. بر این بنیان، رژیم جمهوری اسلامی که بیانگر منافع کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران است، هیچ‌گاه نمی‌خواهد و نه توان و ظرفیت آن را دارد که مشکل‌های اساسی میهن ما را در جهت منافع و رفاه مردم ما حل کند.

ادامهٔ راهکرد رژیم ولایی: بودجهٔ عبور از تحریم ...

اصلاح‌طلبان حکومتی، کارگزاران، آبادگران ایران اسلامی، تدبیر و امید، یا طیف‌های رنگ‌ووارنگ اصولگرایان بر سر کار باشند. حکومت بر اساس "اسلام سیاسی" در تمام عرصه‌ها کشور را با بحران‌های اقتصادی- اجتماعی، زیست‌محیطی، و فشارهای کمرشکن تحریم‌های آمریکا روبرو ساخته است و در گذشته و همچنین در دورنمای آیندهٔ آن هیچ‌گونه تغییر واقعی به نفع مردم و حفظ منافع ملی وجود نداشته و نخواهد داشت.

همچنین روشن شده است که نه‌تنها دولت رئیسی و "حاکمیت یکدست"، بلکه هیچ دولت دیگری هم نمی‌تواند با وجود تحریم‌های مالی آمریکا بوسیلهٔ قاچاق نفت وضعیت کنونی را تغییر دهد. اما آنچه در توان حاکمیت و رأس آن خامنه‌ای وجود دارد، امکان حل کردن شماری از مناقشات در عرصهٔ بین‌المللی و منطقه‌ای است که البته هرکدام هزینه‌هایی را دربر خواهند داشت. پایه‌های سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه بر مبنای شوونیسم اسلامی به‌ویژه در سطح منطقه با بن‌بست و ورشکستگی روبرو شده است. ازاین‌روی، مذاکره با آمریکا آن‌هم از طریق "احیای برجام" تنها راه عملی برای تخفیف فوری تحریم‌ها است و در غیر این صورت حاکمیت با گسترش و تعمیق تحریم‌ها و اوج‌گیری تنش با آمریکا و اسراییل تا حد برخورد نظامی روبرو خواهد شد.

سرکوب خواست‌های مردم برای برقراری عدالت اجتماعی پس از انقلاب بهمن ۵۷ به‌خاطر حفظ منافع سرمایه‌داری تجاری نامولد و سپس سه دهه اجرای تعدیل‌های ساختاری با گرایش به‌سوی نولیبرالیسم اقتصادی غرب که با گسترده شدن فساد ساختاری همراه بوده است اکنون وضعیتی برای کشورمان ساخته است که آمریکا به‌سادگی می‌تواند فشارهایی تعیین کننده بر اقتصاد و زندگی مردم ایران وارد بیاورد. درحال حاضر اقتصاد ملی در وضعیتی قرار گرفته که دامنه‌دار شدن روزافزون تورم مزمن، فقر، و سقوط سطح زندگی مردم را دیگر نمی‌توان متوقف کرد. روند افت درصد سودآوری کلان‌سرمایه‌هایی که قدرت روبنای سیاسی رژیم متکی به آن است بی‌وقفه ادامه خواهد داشت. اقتصاد کشورمان وارد دورهٔ "رکود تورمی" شده است، به‌عبارت دیگر، درحالی که رشد اقتصادی وجود ندارد اما تورم در سطح بالایی در حال افزایش است.

ازاین‌روی، سران رژیم ولایی در وین، واشنگتن، پاریس، و لندن [و همچنین پکن و مسکو] در پشت درهای بسته و از موضع ضعف و انزوای بین‌المللی در تکاپوی جستجوی راه چاره‌اند. در این شرایط رژیم ولایت فقیه مترصد گره زدن مذاکرات "احیای برجام" در وین با ترفند جدیدی است که در چند روز گذشته ابراهیم رئیسی و رسانه‌ها آن را "بودجه عبور از تحریم" نام‌گذاری کرده‌اند. دراین‌ارتباط محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور، پنجشنبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۰، گفت: "دولت مصمم به رفع تحریم و حل مسائل کشور است، البته این موضوع به‌طرف مقابل در مذاکرات برجامی هم بستگی دارد." تناقض‌گویی و استیصال عملی در تصمیم‌های حکومتی را در این سخنان معاون اول رئیس‌جمهور می‌توان مشاهده کرد که می‌گوید: "برنامه‌ریزی دولت با فرض این است که موانع به همین صورت باشد. در دولت و کشور ظرفیت‌هایی وجود دارد که می‌توان با استفاده از آن‌ها مشکلات کشور را به حداقل رساند و حداقل مشکلاتی که احیاناً باقی بماند نیز مربوط به مذاکرات است." توجه‌برانگیز اینکه درارتباط با "حل مسائل کشور"، حکومت ولایی به‌طور بی‌سابقه‌ای تیمی متشکل از ۴۰ نفر را برای "رفع تحریم‌ها" به وین روانه کرده است.

فارغ از تعداد نفرات و تجربهٔ تیم مذاکره کنندگان در مذاکرات احیای برجام، فرستادگان اصلی "رهبری"- یعنی کسانی مانند علی باقری کنی و دیگران- در پشت درهای بسته از موضع ضعف وارد مذاکره شده‌اند. همچنین در قیاس با دُور قبلی مذاکرات با دولت اوباما- بر اساس گزارش‌های روزنامه‌هایی مانند وال‌استریت ژورنال و نیویورک‌تایمز- این بار دولت آمریکا سهمی بیش‌تر در شرایط مذاکره برای موضوع امنیت اسرائیل قائل شده است. باید این را هم یادآور شد که دولت بریتانیا نیز هفته گذشته با امضای قرارداد تجاری و امنیتی‌ای درازمدت با اسرائیل مذاکرات احیای برجام را برای رژیم ولایی پرچالش‌تر کرده است. ازاین‌روی، نمایندگان رژیم ولایی در وین برخلاف ادعاهایشان نخواهند توانست تمامی تحریم‌ها را از میان بردارند و بی‌تردید ادامه مذاکرات با کش‌وقوس همراه خواهد بود.

به‌هرصورت، رژیم ولایی به‌جز رسیدن به توافقی با آمریکا در پشت درهای بسته، یعنی راه‌حلی که بتواند اقتصاد وارداتی و تک‌محصولی متکی به "فروش نفت خام"، "دلار"، و "نیروی کار ارزان داخلی" را محکم و به‌طور دائمی به ارابهٔ سرمایه‌داری جهانی ببندد فعلاً گزینهٔ عملی‌ای دیگر برای حل فوری بحران های پیش‌رو دراختیار ندارد. خزانه دولت خالی است و کسر بودجه حتا با نگاه خوش‌بینانه به قیمت نفت و لغو تحریم‌ها حدود ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. در بخش خصوصی نیز سرمایه‌های عظیم مالی- تجاری‌ای که تشکیل دهندهٔ بخش بزرگی از اقتصادند درجهٔ سودآوری‌شان به‌شدت وابسته به ارزش مبادلهٔ دلار با ریال است. مهم‌تر اینکه ثبات و امنیت کلان‌سرمایه‌های خصوصی و شبه‌خصوصی با وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و گسترش اعتراض توده‌های جان به‌لب رسیده با چالش‌هایی روزافزون روبرو شده است. دراین‌ارتباط فرار سرمایه به‌سوی کشورهای همسایه مانند ترکیه و حتی ارمنستان مدت‌ها پیش از این درجریان بوده و شدیدتر هم خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، ادامه تحریم‌های مالی و دسترسی نداشتن لایه‌های فوقانی بورژوازی به ذخایر دلار منافع این قشر و سرمایه‌هایی که "نظام" به آن‌ها متکی است با خطر روبرو کرده است.

در این شرایط برای تأثیرگذاری بر روند مذاکرات احیای برجام، یعنی آنچه محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور، آن را "حل مسائل کشور" نامیده است، نظریه‌ها و توصیه‌هایی تأمل‌پذیر مطرح شده‌اند. توجه برانگیز آنکه دیدگاه عمدهٔ صاحبان این نظریه‌ها و توصیه‌ها- چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب- حل مسائل و بحران‌های کشور از طریق رشد کلان‌سرمایه‌های خصوصی بوده است. این یعنی ادامه دادن به اجرای همان نولیبرالیسم اقتصادی غرب در سه دهه گذشته که هم در ایران و هم در جهان فقط به‌نفع لایه‌های فوقانی سرمایه‌داران و برخلاف منافع مردم و در جهت تخریب محیط زیست ایران و جهان عمل کرده است.

برای مثال توصیه‌های مشخص حسین موسویان- مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای سابق- به باقری کنی است که در روزنامهٔ دنیای اقتصاد، ۸ آذرماه ۱۴۰۰، به‌چاپ رسید. حسین موسویان یکی کارگزاران حکومتی و از نظریه‌پردازان باسابقه‌ای است که نظرات و تحلیل‌های او هم در رسانه‌های داخل و هم در روزنامه‌هایی مانند فایننشال تایمز و گاردین در خارج منتشر می‌شوند. موسویان هفتهٔ گذشته در مقاله‌ای با تیتر: "برجام، رئیسی و بایدن"، و در بخشی از آن زیر عنوان: "اما سخنی هم با داخل"، اقتصاد ایران را برخلاف واقعیت‌ها صرفاً دولتی می‌داند و وجود برنامه‌های نولیبرالیستی سه دههٔ گذشته را منکر می‌شود و ازاین‌روی "انقلاب خصوصی‌سازی اقتصاد ایران" را خواهان می‌شود. او با اعتقاد به وجود نوشداروی حلال همه مشکلات از طریق خصوصی‌سازی خطاب به دولت رئیسی و کارگزاران حکومت ولایی می‌گوید: "برای رفع فساد و رانت‌خواری... و تحول بزرگ در اقتصاد و صنعت کشور، اولین و مهم‌ترین اقدام، خصوصی‌سازی و نجات ایران از اقتصاد دولتی است." موسویان برای اثبات ضرورت "انقلاب خصوصی‌سازی اقتصاد ایران" این مثال بی‌ربط و قیاس‌مع‌الفارق را مطرح می‌کند: "با اتحاد دو آلمان، آلمان غربی ظرف حدود پنج سال اقتصاد دولتی آلمان شرقی را متلاشی و خصوصی‌سازی کرد درحالی‌که در چهل سال گذشته هیچ دولتی در ایران موفق به‌انجام این مهم نشده است. تنها با خصوصی‌سازی واقعی، اقتصاد ایران شکوفا خواهد شد. ..." باید یادآور شد که وضعیت اقتصادی-اجتماعی در شرق آلمان در سه دهه گذشته دقیقاً به‌دلیل خصوصی‌سازی‌های وسیع روند نزولی داشته و نارضایتی عمومی در سطحی بسیار بالا است. اما برای نظریه‌پردازان نولیبرال وطنی تبعات و تجربه‌های جهانی ورشکستگی و ویرانگری برآمده از "انقلاب خصوصی‌سازی" مهم نیستند.

این‌گونه نسخه‌های اقتصادی تخیلی برای کشور ما که امثال حسین موسویان و بسیاری مانند او در جنب مذاکرات برجام مطرح می‌کنند درمجموع برنامه‌های دولت‌های پس از جنگ ایران و عراق را شکل داده و بر جامعه صدمه‌های اقتصادی -اجتماعی‌ای عمیق وارد آورده‌اند. به‌طور مشخص می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که در چند سال گذشته همراه با گسترش اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها خواست اصلی "توقف خصوصی‌سازی"بوده است. طبقهٔ کارگر و دیگر لایه‌های زحمتکشان مانند معلمان دریافته‌اند که الگوی به‌اصطلاح "بازار آزاد" و "خصوصی‌سازی" با آزادسازی استثمار هرچه بیش‌تر نیروی کار مترادف است. همچنین اکثر مردم و برای مثال کشاورزان معترض در اصفهان به‌این آگاهی رسیده‌اند که قانون‌زدایی در زیر لوای "آزادسازی اقتصاد" موردنظر حسین موسویان و امثال او درعمل "ثروت آفرینی" از طریق آزادی‌سازیِ استثمار بی‌رحمانهٔ نیروی انسانی، منابع طبیعی، و تخریب محیط زیست بوده است. کافی است به تجربه جهانی اخیر در واگیری کرونا به همان اقتصادهای پیشتاز "خصوصی‌سازی" مانند آمریکا، بریتانیا یا آلمان اشاره کنیم که نتوانستند این واگیری را مدیریت و از جان شهروندان‌شان حفاظت کنند. این اقتصادها به‌دلیل رعایت قوانین مقدس "بازار آزاد" و

ادامه در صفحه ۳

به مناسبت هشتادمین سالگرد حزب تودهٔ ایران منتشر شد!

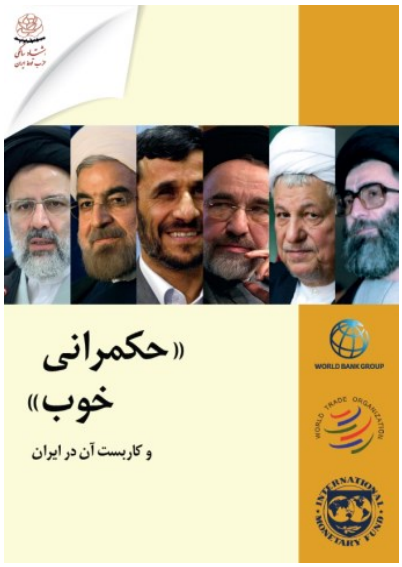

"حکمرانی خوب" و کاربست آن در ایران

در پی بحران همه‌جانبه و فراگیر جهانی پس از اِعمال سیاست‌های تعدیل ساختاری از یک سو، و تشدید بحران بازپرداخت بدهی کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته از سوی دیگر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال‌های پایانی دههٔ ۱۹۹۰، در چند نوبت و از جمله در بیانیهٔ هزاره (سال ۲۰۰۰) زیر فشار جنبش اعتراضی و فراگیر جهانی و دولت‌های مترقی و مردمی، بر ضرورت رویکرد به حکمرانی مطلوب بر بنیاد حقوق بین‌الملل تأکید کرد. در این بیانیه‌ها، همهٔ کشورهای جهان به همیاری در ریشه‌کن‌سازی فقر در سراسر جهان فراخوانده شدند، و تصویب شد که کشورهای توسعه‌یافته، هفت‌دَهُم درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای تأمین بازپرداخت بدهی‌های کشورهای فقیر اختصاص دهند.

امّا در همین سال‌ها، بانک جهانی که زنگ خطر را شنیده بود، در همیاری با بنیادها و باشگاه‌های پژوهشی وابسته به کشورهای امپریالیستی و انحصارهای فراملّیتی، و با تفسیر غیراصولی از تصویب‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به منظور نجات دادن سرمایه‌داری نولیبرالی و تحکیم پایه‌های آن، الگویی را به اجرا گذاشت که از آن با عنوان »رهیافت سوّم «و با نام »حکمرانی خوب «یاد می‌شود، الگویی که از بیخ و بُن با خواست و سمت‌گیری مطلوبِ جنبش‌های مردمی و دولت‌های سوسیالیستی و مترقی جهان مغایر است.

وجه تمایز "حکمرانی خوب" با الگوی تعدیل ساختاری این است که در الگوی اخیر دیگر از کوچکی دولت و نفی دخالتش در بازار سخن گفته نمی‌شود، بلکه بر دولت مقتدر با هدف تنظیم‌گری بازار به سود بخش خصوصی تأکید می‌شود.

دومین دفتر "یادها و چهره‌ها"

دومین دفتر "یادها و چهره‌ها" فراروی شما است؛ برآیندی که کوشیده است اندکی، و تنها اندکی، بر زخم‌های نمک‌خورده‌ی هنرمندان توده‌ای که هم از شاهان و روحانیان خائن و هم از شبهِ روشن‌فکرانِ فرقه‌انگار روزگار ستم دیده‌اند، مرهم گذارد. ما در جُستارهایی که هم‌اینک در شولایِ شیرازه‌ای یگانه گِرد هم آمده‌اند،

کوشیده‌ایم در اندازه‌ی داشته‌ها و توانِ خود، بر سویه‌های تاریکِ شخصیت و دانشِ شماری از هنرمندانِ توده‌ای پرتو بیافکنیم؛ هنرمندانی که نه رواداری زمانه آنان را برتافته و نه منتقدانِ رنگین‌نامه‌ها. نه در بازارِ بی در و پیکر کتابِ کشور یاد و یادنامه‌ای از این قلندرانِ هنر و ادب یافت می‌شود و نه در واکشیا/ فضایِ پنداری و مجازی. در تارنماها و سایت‌های پهنه‌ور رایانه‌ای نیز که به گفته‌ی پیر توس مهدیِ اخوان ثالث: هرگز ندانستیم "کان خوبان، پدرشان کی است و یا سود و ثمرشان چی است؟" چیزی هم اگر در باره‌ی هنرمندانِ توده‌ای یافت شود، یا کژدیسانه وغرض‌آلود است یا اندیشه‌های سیاسیِ و حزبی بزرگانِ توده‌ای را درز گرفته است.

برای نمونه، تارنمایِ ویکی‌پدیا در بخشِ رفیق دکتر احسانِ طبری، بی‌درنگ سایتِ رادیو زمانه را فرامیِ‌اوَرَد تا یکی از توده‌ای‌ستیزان آن، در همان نخستین پاراگرافِ نوشته‌اش دُرفشانی کند که: "به کمکِ اسناد و مدارکِ نویافته، قصد دارم روندِ شکسته شدنِ احسانِ طبری و تغییرِ ناگهانیِ او را نشانَ دهم"! فرآیندی که اما راه به روستایی نمی‌بَرَد و نویسنده‌اش نمی‌تواند این"روندِ... ناگهانی"! را "نشان" دهد.

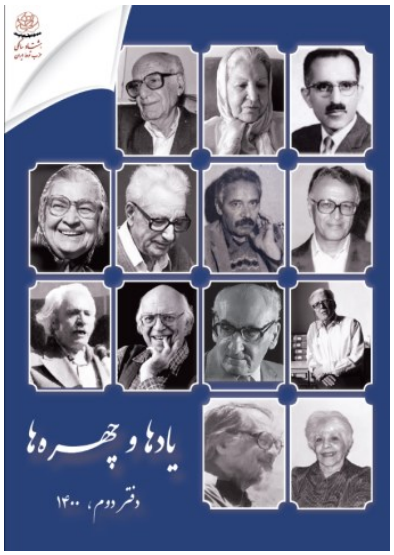

این است سرنوشتِ ستم‌آلوده‌ای که مدعیانِ رنگ و وارنگِ دمکراسی، برهم‌وندان و هواداران حزبِ توده‌ی ایران رقم زده و می‌زنند. هم‌چون فرجامِ کارِکمونیست‌های فیلمِ "مسیح هرگز به این‌جا نیامد" که در سپیده‌دَمِ فروپاشیِ فاشیسمِ ایتالیا، شاهدِ آزادی همه‌ی زندانیانِ سیاسی بودند به جُز خود:

این جهان زندان و ما زندانیان
حفره کَن زندان و خود را وارهان

مولانا

از مبارزهٔ کارگران صنایعِ مس حمایت کنیم

در دو ماه اخیر کارگران شرکت ملی صنایع مس ایران در کرمان و آذربایجان تجمع‌های اعتراضی به دستمزدهای ناچیز خود، عدم پرداخت مزایا و پاداش، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل به صورت عادلانه، و قراردادهای کاری کوتاه مدت برگزار کرده‌اند. بنا بر گزارش‌های منتشره در شبکه‌های کارگری، قرارداد کاری کارگران معدن مس سونگون ورزقان پایان یافته بود و مدیرعامل شرکت ملی مس ایران وعده داده بود که قرارداد همهٔ کارگران یکساله تمدید خواهد شد.

شامگاه یکشنبه ۳۰ آبان‌ماه، در اعتراض به بسته شدن کارت حدود ۶۰ نفر از نمایندگان کارگران، حدود دو هزار کارگر از شرکت‌های پیمانکاری آهن آجین (معدن)، آهن آجین (لیچینگ)، مبین، زحل، نوآوران، پارس اولنگ و خدمات اکتشافی، شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان از حضور در سرکار خودداری کرده و اعتصابی را آغاز کردند. در سومین روز اعتصاب کارگران مس سونگون در دوم آذرماه، کارگران اعلام کرده بودند که "در مقابل اخراج همکاران خود خواهند ایستاد و تا زمانی که قرارداد تمامی پرسنل امضا نگردد به اعتصاب ادامه خواهند داد."

روز ۱۱ آذرماه سومین روز از دور جدید اعتصاب ۲۰۰۰ نفر از کارگران شرکتهای پیمانکاری شاغل در مجتمع مس سونگون است و در هوای سرد، کارفرمایان و مسئولین دولتی سرویس تردد و اياب و ذهاب، آب آشامیدنی و اینترنت را قطع کرده اند. در ادامه سیاست ارزان‌سازی نیروی کار و آزادسازی مزد، رژیم ضدمردمی ولایت فقیه به تحمیل دلالان و پیمانکاران نیروی کار وابسته به رهبران ارشد رژیم به طبقهٔ کارگر کشورمان اصرار دارد. در حمایت از مبارزه زحمتکشان علیه سیاست تعدیل ساختاری رژیم، حزب توده‌ی ایران قاطعانه از مبارزهٔ کارگران کشورمان علیه سیاست‌های ضدکارگری رژیم ولایی حمایت می‌کند.

حزب تودهٔ ایران
۱۴ آذر ۱۴۰۰

بیانیهٔ مشترک حزب‌های کمونیست و کارگری: به مناسبت روز جهانی همبستگی با مردم فلسطین

ما حزب‌های کمونیست و کارگری امضاکنندهٔ این بیانیه به مناسبت روز جهانی همبستگی با مردم فلسطین، خواهان پایان دادن به اشغال جاری و مداوم اسرائیل بر تمام سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ فلسطین و عرب، و ایجاد دولت مستقل فلسطین در مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷، با اورشلیم (بیت‌المقدس) شرقی به عنوان پایتخت آن، و نیز عملی شدن راه‌حلی برای مسئلهٔ پناهندگان بر اساس قطعنامهٔ ۱۹۴ سازمان ملل متحد هستیم. ما حمایت خود را از بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی فلسطینی و مبارزهٔ آنها برای آزادی اعلام می‌کنیم و خواستار آزادی فوری همهٔ بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی هستیم. ما سیاست‌های دولت اسرائیل در مورد شهرک‌سازی‌ها و اشغال، قطعه‌قطعه کردن مداوم پیوستگی جغرافیایی سرزمین‌های مستقل دولت آیندهٔ فلسطین، و تمام توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی با هدف نابود کردن آرمان فلسطین را محکوم می‌کنیم. ما خواستار برچیدن فوری تمام شهرک‌های غیرقانونی اسرائیل و دیوار جداساز »آپارتاید «در سرزمین‌های اشغالی فلسطین هستیم. ما حمایت درازمدت دولت آمریکا از سیاست‌های جنگ و اشغال اسرائیل، نگرش ریاکارانهٔ اتحادیهٔ اروپا در یکسان دیدن قربانیان این سیاست‌ها و عاملان آن، و تشدید تجاوزگری اسرائیل در کمتر از ۶ ماه گذشته به صورتِ شدت بخشیدن به تجاوزکاری روزانهٔ شهرک‌نشینان و یورش به غیرنظامیان، کشاورزان، و فعالان به‌قصد در هم شکستن روحیهٔ مقاومت مردمی در میان فلسطینیان را محکوم می‌کنیم.

ما از پیکار عادلانهٔ مردم در اورشلیم اشغالی، در شیخ جراح و سلوان حمایت می‌کنیم، و توطئه‌هایی را که برای بیرون کردن آنها از خانه‌ها و سرزمین‌هایشان صورت می‌گیرد، تقبیح و محکوم می‌کنیم.

ما عادی‌سازی روابط رژیم‌های ارتجاعی عرب با اسرائیل را که حاصل دسیسه‌چینی‌های آمریکایی و امپریالیستی در منطقه است، محکوم می‌کنیم. این عادی‌سازی‌ها توافق صلح نیستند، بلکه هدفشان اعتباربخشی به اسرائیل و پیشبُرد سیاست‌های آمریکا به‌منظور بهره‌کشی بیشتر از منابع و تأمین سرکردگی نظامی و اقتصادی [اسرائیل و آمریکا] در منطقه است.

ما تجاوز مستمر اسرائیل به سوریه و لبنان و دخالت آن در تضعیف حاکمیت این دو کشور را محکوم می‌کنیم. ما مانورهای نظامی مشترک اسرائیل، ترکیه، یونان، و قبرس و اخیراً چند کشور حاشیهٔ خلیج فارس را که با هماهنگی ناتو انجام می‌شود و هدفِ آن ایجاد وحشت در مردم منطقه، حفاظت از منافع امپریالیستی، و ایجاد کانون‌های جدید درگیری در منطقه است، محکوم می‌کنیم. حزب‌های امضاکنندهٔ این بیانیه تازه‌ترین روند تشدید تنش در پی غیرقانونی کردن ۶ سازمان حقوق بشری، و تداوم اشغال اسرائیل و تمام فجایعی را که علیه همهٔ حقوق اقتصادی، سیاسی، و دموکراتیک مردم فلسطین صورت می‌گیرد، تقبیح و محکوم می‌کنند.

حزب کمونیست استرالیا
حزب کمونیست بلژیک
حزب کمونیست برزیل
حزب کمونیست بریتانیا
حزب کمونیست کانادا
حزب کارگران سوسیالیست کرواسی
آکل (حزب مترقی زحمتکشان قبرس)
حزب کمونیست بوهم و موراوی (جمهوری چک)
حزب کمونیست در دانمارک
حزب کمونیست فرانسه
حزب کمونیست آلمان
حزب کمونیست یونان
حزب کمونیست هند (مارکسیست)
حزب تودهٔ ایران
حزب کمونیست عراق
حزب کمونیست کردستان- عراق
حزب کارگر ایرلند
حزب کمونیست اسرائیل
حزب کمونیست اردن
جنبش سوسیالیستی قزاقستان
حزب کمونیست لوکزامبورگ
حزب کمونیست مکزیک
حزب کمونیست پاکستان
حزب مردم فلسطین
حزب کمونیست پاراگوئه
حزب کمونیست فیلیپین [PKP 1930]
حزب کمونیست پرتغال
حزب کمونیست اتحاد شوروی
حزب کمونیست های صربستان
حزب کمونیست نوین یوگسلاوی
حزب کمونیست کارگران اسپانیا
حزب کمونیست های کاتالونیا (اسپانیا)
حزب کمونیست سوازیلند
حزب کمونیست سوئد
حزب کمونیست ترکیه
حزب کمونیست اوکراین
حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
جبهه کمونیستی (ایتالیا)

ادامهٔ نمایندهٔ حزب چپ در پارلمان فدرال آلمان...

س: آیا حزب چپ درسی از نتایج انتخاب گرفته است و آیا قصد تجدیدنظر اساسی یا تغییرهای بنیادی در سیاست‌های خود دارد؟

ج: کنکاش دربارهٔ علت‌های این نتیجهٔ بد تاریخی در انتخابات و نتیجه‌گیری‌هایی لازم دربارهٔ آن، موضوع بحث‌های زیادی است.

این را که حزب چپ باید روی اصول بنیادی‌اش، یعنی عدالت اجتماعی و صلح، تمرکز کند می‌توان در چگونگی پیشرفت گفت‌وگوهای پژوهشی کنونی دید. اکنون روشن است که سبزها و حزب دموکرات آزاد ائتلاف مشترکی تشکیل خواهند داد. آنچه بیش از هر زمان دیگری در برابر این ائتلاف نولیبرالی ضروری است، وجود اپوزیسیونی با گرایش‌های اجتماعی است که همچنان به صلح متعهد باشد و باز به حزبی بر پایهٔ اعتراض اجتماعی، حزبی برای شهروند عادی، تبدیل شود.

همان‌طور که عده‌ای در داخل حزب مطرح کرده‌اند، کم‌رنگ کردن مواضع حزب چپ در مورد صلح فاجعه‌بار خواهد بود. تعهد به صلح، دیپلماسی، و خلع‌سلاح در دی‌ان‌ای ماست. با توجه به تهدید فزایندهٔ جنگ از جانب ژئوپلیتیک تجاوزگرانهٔ ناتو، ما نمی‌توانیم از موضع روشن خود دور شویم؛ ما باید به ترویج سیاست خارجی صلح‌آمیز ادامه دهیم.

در تاریخ حزب‌های کمونیست و چپ در اروپا، کنار گذاشتن موضع دفاع از صلح معمولاً با کنار گذاشتن سیاست‌های اجتماعی همراه بوده است. از آن هنگام که حزبی شروع به موافقت با ساخت اسلحه و عملیات نظامی کند، چیزی نخواهد گذشت که خواست‌های اجتماعی‌اش فرو بکاهد. باید از این روند دوری کرد.

پیام همبستگی حزب تودهٔ ایران به کنگرهٔ حزب کمونیست عراق

یازدهمین کنگرهٔ سراسری حزب کمونیست عراق با موفقیت در روزهای ۴ تا ۶ آذر ۱۴۰۰ (۲۵ تا ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱) در بغداد برگزار شد. مراسم گشایش کنگره در روز چهارشنبه ۳ آذر در هتل فلسطین در قلب شهر بغداد برگزار شد. در این مراسم بیش از ۶۰۰ نفر، از جمله نمایندگان طیف گسترده‌ای از حزب‌های سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های حرفه‌ای، سازمان‌های اجتماعی-مدنی، و شخصیت‌های مردمی عراق شرکت داشتند.

حضور رفیق کریم احمد، شخصیت برجستهٔ تاریخی و رزمندهٔ حزب کمونیست عراق، در مراسم با وجود ضعف و بیماری رفیق، بسیار احساس‌برانگیز بود. رفیق کریم احمد اکنون ۱۰۱ سال دارد و در دهه‌های پیش از اعضای هیئت سیاسی حزب کمونیست عراق بوده است. در مراسم گشایش کنگره، رفیق احمد ساعت مچی رفیق شهید فهد (یوسف سلمان یوسف) دبیرکل پیشین حزب را به رفیق رائد فهمی دبیر کمیته مرکزی اهدا کرد. رفیق فهد این ساعت را در لحظه خداحافظی پیش از اعدامش در سال ۱۹۴۹ به رسم یادگاری به رفقای هم‌زندانش هدیه داده بود.

جلسه گشایش کنگرهٔ یازدهم حزب برادر با پخش سرود جمهوری آغاز شد. پس از آن، رفیق رضا الظهیر، مسئول ادارهٔ مراسم، حاضران را به رعایت یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت و احترام به خاطره شهیدان حزب و نهضت ملی و قیام تشرین (اکتبر) در راه آزادی و دموکراسی دعوت کرد. سپس رفیق رائد فهمی، دبیر کمیتهٔ مرکزی حزب برادر، سخنرانی کرد. وی به ادامه بن‌بست سیاسی در عراق پس از انتخابات اخیر در آن کشور، که حزب کمونیست آن را تحریم کرده بود، اشاره کرد. او خطاب به حاضران به صراحت گفت: "پیش‌بینی می‌شود که با عمیق‌تر شدن تناقض‌های بین اقلیت مرفه مسلط، که قدرت و ثروت را در انحصار خود گرفته است، و اکثریت مردمی که دچار محرومیت و فقر فزاینده‌اند، تنش‌های سیاسی و اجتماعی... تشدید شود. این وضع نتیجه حاکم بودن نظام سیاسی قومی-فرقه‌یی و فساد است." در ردیف اول حاضران در مراسم گشایش کنگره، نمایندگان دولت و ریاست‌جمهوری و سران حزب‌های سیاسی عراق نشسته بودند. رفیق فهمی جنبش اعتراضی مردمی را که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد و با خیزش مردمی در پاییز ۱۳۹۸ (اکتبر 2019) به اوج خود رسید، ستود و گفت که آن خیزش "مقطع حساسی" در زندگی سیاسی کشور بود و ضرورت تغییر را در دستور کار جنبش مردمی و نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور قرار داد. وی تاکید کرد که حزب کمونیست عراق تلاش دارد نیروهای مدنی و میهن‌دوست دموکرات را متحد کند تا راه برای ایجاد دولت مدنی دموکراتیک مبتنی بر عدالت اجتماعی باز شود.

دکتر بهرام صالح، رئیس‌جمهور عراق، در پیامی به مناسبت گشایش کنگرهٔ سراسری حزب کمونیست عراق، به نقش حزب برادر به مثابه پیشگام در جنبش ملی-میهنی عراق اشاره کرد. وی فداکاری‌های عظیم کمونیست‌های عراقی در راه مبارزه برای "میهن آزاد" را ستود و به آنها درود فرستاد. پیام رئیس‌جمهور عراق را خانم "میسون الدملوجی"، مشاور رئیس‌جمهور برای حاضران خواند. در این پیام آمده است که در وضعیتی "که کشور ما در حال عبور از آن است، و تجربه دموکراسی نوپایی که در حال شکل گرفتن است" برگزاری کنگرهٔ ۱۱ حزب کمونیست عراق قابل تحسین است. "[تلاش کمونیست‌های عراق نشان‌دهندهٔ] میزان احساس مسئولیت در مواجهه با چالش‌ها و تلاش در راه حفظ و توسعه دموکراسی و پیشبرد روند سیاسی است، روندی که آغشته به اشتباه‌ها و بحران‌ها است." رئیس‌جمهور عراق در پیامش برای کنگرهٔ حزب کمونیست عراق آرزوی موفقیت کرد. مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، نیز پیامی به کنگره فرستاده بود که ارکان شهاب الشیبانی، وزیر ارتباطات عراق، آن را برای حاضران خواند. رفیق کاوه محمود، دبیرکل حزب کمونیست کردستان عراق

نیز از سخنرانان اصلی در مراسم گشایش کنگره بود.

به مناسبت برگزاری این کنگره، شمار زیادی از حزب‌های کمونیست و کارگری جهانی پیام‌های تبریک به رفقای عراقی فرستاده بود. از طرف کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران نیز پیام تبریکی به این کنگره فرستاده شده بود که در ادامه، بخش‌هایی از آن را می‌خوانید.

"رفقای عزیز،

در آستانه برگزاری یازدهمین کنگرهٔ حزب کمونیست عراق، حزب تودهٔ ایران درود و همبستگی برادرانه خود را به نمایندگان، اعضا، رهبری، و هواداران حزب برادر تقدیم می‌کند. ما از شرایط دشواری که این کنگره در آن برگزار می‌شود آگاهیم. ...حزب ما وضعیت سختی را که رفقای عراقی ما در آن برای دستیابی به پیشرفت در مسیر هدف‌ها و مبارزات و زندگی مردم عراق تلاش می‌کنند، کاملاً درک می‌کند. ما مشارکت فعال شما را در زندگی اجتماعی-سیاسی مردم عراق در راه پایان دادن به نظام مبتنی بر تقسیم قدرت قومی-فرقه‌یی، فرقه‌گرایی سیاسی، و فساد گسترده، و تلاش برای دستیابی به آلترناتیو دموکراتیک مدنی و تحقق عدالت اجتماعی، تقویت اتحاد ملی، و بازگرداندن کامل حاکمیت و استقلال پس از تهاجم و اشغال کشور در اسفند 1382/مارس ۲۰۰۳ و ده‌ها سال آشفتگی از نزدیک دنبال می‌کنیم. مشارکت فعالانه کمونیست‌های عراق در قیام اکتبر ۲۰۱۹ و کوشش‌های اثرگذار حزب شما در روند تحولات سیاسی در عراق، از جمله کارزار حزب در تحریم هوشیارانه خیمه شب بازی انتخاباتی اخیر و فعالیت روزمره رفقای عراقی در سراسر کشور، به‌ویژه در میان زحمتکشان عراق، نشان‌دهنده دقت و پشتکار کمونیست‌های عراقی در اوضاع بسیار دشوار موجود است.

...شرایط نگران کنندهٔ ناشی از تحولات جاری بین‌المللی، به‌ویژه بحران عمیق سرمایه‌داری جهانی، مبارزات ما را ناگزیر پیچیده‌تر می‌کند. خطر وقوع درگیری‌های گسترده‌تر منطقه‌یی، حتی جهانی، بار دیگر سایهٔ شومی بر تحولات کشورهای ما افکنده است. دخالت مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه، و امپریالیسم آمریکا در امور داخلی عراق، فعالیت مجدد گروه‌های وابسته به داعش و القاعده در عراق، نقشه‌های متعدد برای بی‌ثبات کردن کردستان عراق، و استفاده از خاک عراق به عنوان میدان نبرد نیروهای نیابتی با هدف سلطه بر مردم رنج‌کشیدهٔ عراق، همگی موجب تضعیف حاکمیت ملی عراق و مانع فاصله گرفتن آن کشور از گذشتهٔ نه‌چندان دورش است. جولانگری شبه‌نظامیان شیعه در عراق فقط به سود نقشه‌های بدخواهانه و زهرآگین مرتجعان و مانع اجرای تغییرات اساسی ضروری در عراق است. حزب تودهٔ ایران بار دیگر مخالفت پیگیر و بی‌قیدوشرط خود با این مداخله‌گری‌ها و حمایت کامل خود از عراق یکپارچه، فدرال، سکولار، و دموکراتیک را اعلام می‌کند. مردم عراق باید این آزادی را داشته باشند که مستقلانه و بدون دخالت و نقشه‌های نیروهای منطقه‌یی و جهانی، مسیر آیندهٔ خود را تعیین کنند.

...ما برای کنگره شما در تصمیم‌گیری‌های جمعی و تدوین سیاست‌های استراتژیک و تاکتیکی لازم، و برای مبارزه بی‌وقفهٔ شما در راه رهایی از قید و بندهای نظام فرقه‌یی کنونی و حرکت به سوی جامعه‌ای عادلانه، دموکراتیک، و مرفه آرزوی موفقیت داریم." [بخش عمده پیام حزب مان در شماره ویژه "طریق الشعب" به مناسبت کنگره در روز شنبه ۶ آذرماه منتشر شد.]

راه ما برای ساختن سوسیالیسم در هند

سخنرانی مهم رفیق سیتارام یچوری، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)، در سمینار علمی حزب تودهٔ ایران به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس حزب

سیتارام یچوری، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)، یکی از سخنرانان اصلی در سمینار علمی حزب تودهٔ ایران به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس و مبارزه‌اش، در روز ۱ آبان ۱۴۰۰ (۲۳ اکتبر ۲۰۲۱) برگزار کرد. رفیق سیتارام در سال ۱۹۸۴/۱۳۶۳ به ریاست فدراسیون سراسری دانشجویان هند برگزیده شد که بزرگ‌ترین سازمان دانشجویی آن کشور (در حال حاضر با ۴٫۳ میلیون عضو) است. او همچنین از سال ۱۹۸۴ عضو کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) و از سال ۱۹۹۲/۱۳۷۱ عضو هیئت سیاسی آن بوده است. او از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ عضو مجلس علیای پارلمان هند بود و در بیست‌ویکمین کنگره حزب کمونیست هند (مارکسیست) در سال ۲۰۱۵/۱۳۹۴ به سمت دبیرکل حزب انتخاب شد. او پیش از آن به مدت بیش از دو دهه رئیس دفتر بین‌المللی حزب بود. در اینجا ترجمهٔ فارسی سخنرانی کامل رفیق یچوری در سمینار مزبور را منتشر می‌کنیم.

***

درود من به حزب تودهٔ ایران در هشتاد سالگی‌اش. واقعیت این است که جنبش طبقهٔ کارگر و حرکت مردم ستم‌دیدهٔ ایران به یک قرن پیش بازمی‌گردد؛ تقریباً به همان زمانی که حزب‌های کمونیست در دیگر کشورهای آسیا تشکیل شدند. در سپتامبر ۱۹۲۰/۱۲۹۹ بود که حزب کمونیست هند در تاشکند تأسیس شد، چون در آن زمان، تحت حکومت بریتانیا، کمونیست‌ها در تبعید بودند و ما نمی‌توانستیم در داخل هند فعالیت کنیم. حزب کمونیست چین نیز در سال ۱۹۲۱ تشکیل شد.

به همین ترتیب، طبقهٔ کارگر زیر تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و با تأثیر گرفتن از لنین و انقلاب روسیه، در بسیاری از کشورها از جمله در ایران شروع به سازمان‌دهی خود کرد. اکنون حزب تودهٔ ایران، با آن میراث کهن نزدیک به یک قرنش، به فعالیتش ادامه می‌دهد، و تا امروز، در 80 سالگی‌اش، تاریخ بسیار پرفراز و نشیبی داشته است. بسیاری از ما تاریخ‌های [پرفراز و نشیب] خودمان را داشته‌ایم. جدایی‌ها و انشعاب‌های خودمان را داشته‌ایم. تفاوت‌های خودمان را داشته‌ایم. اما حزب توده و مردم ایران مورد سرکوب بسیار شدیدتری قرار داشته‌اند و این امر پیش از هر چیز به این دلیل بوده که ایران میدان بازی امپریالیسم جهانی نیز بوده است.

نفت در ایران نقطه حساسی بود که کنترل بر آن برای به دست آوردن کنترل سیاسی در ایران لازم بود. زمانی که [نخست‌وزیر] محمد مصدق زیر تأثیر خیزش و مبارزه مردم ایران، نفت را در ایران ملی کرد، شما شاهد حرکت نیروهای ضدانقلاب و مداخله مستقیم امپریالیستی بودید. مداخلهٔ سیا صورت گرفت تا دولت [مصدق] را سرنگون و رژیم دست‌نشاندهٔ خودشان را به ایران تحمیل کنند که سرکوب شدیدی علیه نیروهای چپ و مردم و کشور شما به راه انداخت. بخش بزرگی از این یورش متوجه حزب تودهٔ ایران بود.

علی‌رغم همهٔ این فراز و نشیب‌ها، علی‌رغم همهٔ این سرکوب‌ها، حزب تودهٔ ایران در این ۸۰ سال در تعهد خود به مارکسیسم-لنینیسم، در تعهدش به اصول کمونیستی و در راه ایجاد جامعه‌ای مترقی و فارغ از استثمار در ایران، و در حرکت به سوی سوسیالیسم و کمونیسم ثابت‌قدم بوده است. به‌خاطر این پیگیری، استواری، تعهد، فداکاری، و ازخودگذشتگی شهیدان بی‌شمار کمونیست‌های ایرانی، من به نمایندگی از حزب کمونیست هند (مارکسیست)، به مناسبت ۸۰ سالگی حزب تودهٔ ایران، به همهٔ شما و به حزب تودهٔ ایران درود می‌فرستم.

حزب کمونیست هند (مارکسیست) و حزب تودهٔ ایران چند دهه است که روابط برادری بسیار نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. این رابطه نه‌فقط در عرصهٔ ابراز همبستگی و صدور قطعنامه، بلکه در اقدام‌های مشترک و حمایت ما از

مبارزهٔ مردم ایران، به‌ویژه علیه شاه ایران بوده است. من خودم در یکی از تظاهراتی شرکت داشتم که در اعتراض به سفر رسمی شاه به اینجا برگزار شد. ما در آن زمان در دانشگاه‌هایمان عدهٔ زیادی دانشجوی ایرانی داشتیم که دوست و رفیق ما بودند. ما آن موقع تلاش زیادی کردیم که این دوستان و رفقا، پیش از دیدار شاه- که ایده دولت وقتِ هند بود- به کشورشان بازگردانده نشوند. بنابراین، رابطهٔ دو حزب ما، بر پایهٔ پیوند میان مبارزات مشترک ماست، و من بسیار خوشحال و خشنودم که در این مناسبت، از این رسانه برای بحث کردن در مورد برخی موضوع‌های بسیار مهم در جنبش کمونیستی جهان و حزب‌های کمونیست به طور خاص استفاده می‌شود.

در این همایش، که عنوانش یکی از موضوع‌های مهم در جنبش‌های کمونیستی و اجتماعی است، از من خواسته شده است که بر موضوع برخورد کمونیست‌ها با انقلاب دموکراتیک ملی یا انقلاب دموکراتیک خلق تمرکز کنم.

ما در هند و در حزب کمونیست این انقلاب را "انقلاب دموکراتیک خلق" تعریف می‌کنیم که به نظر ما مرحلهٔ دوم انقلاب هند است. نخستین مرحله، استقلال ما از حکومت بریتانیا، از استعمار بریتانیا بود.

اما "مراحل انقلاب" مفهومی است که من فکر می‌کنم سزاوار نگاه کردن از جنبه‌های متعدد به آن و درک کامل آن است، تا بتوان آن را تثبیت و تقویت کرد. لازم است به این نکتهٔ مهم که لنین به ما آموخت توجه مطلق داشته باشیم که هیچ میان‌بُری در راه رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم وجود ندارد. برای رسیدن به چنین نظامی، هم از نظر شالودهٔ اقتصادی جامعه و هم از نظر آگاهی مردمی که برای انقلاب سوسیالیستی آماده می‌شوند، باید آن را مرحله به مرحله به پیش برد و ساخت. هر دو باید در نظر گرفته شود؛ که به معنای بازگشت به اصل لنینی تحلیل مشخص از شرایط مشخص است، که عین گوهر دیالکتیک است. تحلیل مشخص از شرایط مشخص شالودهٔ شکل‌گیری مفهوم مراحل انقلاب بود، و طبیعی بود که این مفهوم نیز به دلیل تاریخ جنبش انقلابی در جهان باید تکامل می‌یافت. مارکس و انگلس وقتی که مانیفست کمونیستی را در اختیار ما گذاشتند، این طور به ما گفتند که انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم از پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری آغاز خواهد شد، چون آنها به آن سطح از پیشرفت نیروهای مولد رسیده‌اند که اکنون آن نیروها باید از حصار مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری آزاد شوند؛ و این مرحلهٔ انقلاب سوسیالیستی است.

اما از سوی دیگر، یکی از قانون‌های سرمایه‌داری که مارکس آن را شناخت و به همه ما شناساند این است که با توسعهٔ سرمایه‌داری، تمرکز سرمایه افزایش می‌یابد، و این تمرکز سرمایه به سرمایه‌داری انحصاری منجر خواهد شد. شناخت این فرایند انباشت سرمایه یا تمرکز سرمایه که منتهی به مرحلهٔ امپریالیسم می‌شود، سهم لنین در بسط مارکسیسم بود. این را مارکسیسم-لنینیسم می‌خوانیم.

و در مرحلهٔ امپریالیسم، هنگامی که تمام جهان زیر سلطهٔ امپریالیسم به زنجیر کشیده می‌شود، امکان گسستن آن زنجیر در ضعیف‌ترین حلقه‌اش به وجود می‌آید. بدین معنا که امکان حرکت به سمت سوسیالیسم حتی در کشورهایی به وجود می‌آید که هنوز توسعهٔ سرمایه‌دارانهٔ کامل نیافته‌اند. و در چنین شرایطی است که مراحل انقلاب اهمیت می‌یابد. در حرکت از اقتصاد غیرسرمایه‌داری یا نیمه‌فئودالی عقب‌مانده یا حتی از اقتصاد سرمایه‌داری کمتر توسعه‌یافته

ادامه در صفحه ۱۱

ادامهٔ راه ما برای ساختن سوسیالیسم ...

به سمت سوسیالیسم- مانند روسیه در زمانی که انقلاب روسیه رخ داد- تقویت و افزایش رشد نیروهای مولد به سطحی که بتوان به سمت سوسیالیسم حرکت کرد، مستلزم گذار از مراحل گوناگون است. در این فرایند است که مفهوم "مراحل" به‌درستی مطرح شد.

اگر این مراحل را پشت سر نگذاریم، در موقعیتی قرار نخواهیم داشت که واقعاً بتوانیم در انقلاب سوسیالیستی موفق شویم، یا هیچ جنبش کمونیستی در کشورش در موقعیتی نخواهد بود که واقعاً بتواند در انقلاب سوسیالیستی موفق شود. این مفهوم مهمی است، اما زمانی که مستعمرات سابق مستقل می‌شوند و وظیفهٔ ساختن جامعهٔ دموکراتیک خلق در کشورهایشان را- به مثابه مقدمهٔ حرکت به سمت سوسیالیسم- در مقابل خود قرار می‌دهند، با تعارض‌های زیادی نیز روبرو می‌شوند که در روند چگونگی تحقق انقلاب دموکراتیک خلق به وجود می‌آید.

در این عرصه، نظریه‌ها و مفهوم‌های گوناگونی مطرح شده است که هم حزب تودهٔ ایران و هم حزب کمونیست هند (مارکسیست) در مطالعه و تدوین آنها سهیم بوده‌اند، و ما در درون کشورهای خودمان باید این مبارزه را پشت سر می‌گذاشتیم. بدین معنا که زمانی، مفهومی پیش آمد مبنی بر این که در دورهٔ پس از جنگ جهانی دوم در قرن گذشته، می‌توان مرحلهٔ سرمایه‌داری را دور زد و از یک اقتصاد نیمه‌فئودالی، یا اقتصاد و جامعه‌ای عقب‌مانده، به سمت سوسیالیسم حرکت کرد و مرحلهٔ سرمایه‌داری را دور زد.

البته اکنون داریم از سکوی امروز به گذشته نگاه می‌کنیم، ولی به هر حال ثابت شد که آن مفهوم بسیار اشتباه بوده است. حتی کشورهایی که در انقلاب سوسیالیستی خود موفق شدند، پس از انقلاب بایست از تجربه‌های خود درس می‌گرفتند و از طریق فرایند انجام اصلاحات رشد می‌کردند تا نیروهای مولد خود را افزایش دهند. این دقیقاً اساس همان اصلاحاتی است که در زمان دنگ شیائوپینگ در چین صورت گرفت، و امروزه نتیجهٔ آن در برابر چشم همه ما قرار دارد. در اساس، به همین علت بود که لنین سیاست اقتصادی جدید (نپ) و سپس تلاش برای ساختن و رشد سریع نیروهای مولد را مطرح کرد، به طوری که بتوان سوسیالیسم را تحکیم کرد. به این ترتیب، توسعهٔ نیروهای مولد، عنصر کلیدی ضرور در تعیین مراحل انقلاب است.

و دوم اینکه، تا آنجا که به هند مربوط می‌شود، با ورود کشور ما به مرحلهٔ دوم، پس از استقلال، مهم این بود که مشخص کنیم طبقات حاکم در یک کشور مستقل یا مستعمرهٔ سابق، کدام‌اند. در اینجا بود که ارزیابی‌های مختلف، به جدایی و انشعاب تأسف‌بار در درون جنبش کمونیستی منجر شد.

ما در حزب کمونیست هند (مارکسیست)، دولت هند و طبقات حاکم در هند را ائتلافی از زمین‌داران و بورژوازی به رهبری بورژوازی بزرگ می‌دانیم که همکاری فزاینده‌ای با سرمایهٔ مالی بین‌المللی دارد. در طول زمان و در عمل، این ارزیابی ما درست از کار درآمد، و به همین دلیل است که حزب ما بزرگ‌ترین نیروی کمونیستی در هند شد.

ما وقتی که آن نظریه را مطرح کردیم، و حزب متفاوتی را در سال ۱۹۶۴/۱۳۴۳ ایجاد کردیم، گروه کوچکی بیش نبودیم. این نظر وجود داشت که طبقات حاکم هند، بورژوازی مترقی یا بورژوازی ملی‌گرا هستند و جایگزینی ملی‌گرایانه خواهند ساخت که سرمایه‌داری نیست. بنابراین، در حرکت به سوی سوسیالیسم، دور زدن مرحلهٔ سرمایه‌داری امکان‌پذیر است. این نظر از حمایت یک حزب کمونیست بزرگ در جهان- حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی آن زمان- برخوردار بود. این نظر یک بخش از جنبش کمونیستی بود. بخش دیگر جنبش کمونیستی در هند، طبقهٔ حاکم در هند را طبقهٔ کمپرادور ارزیابی می‌کرد. از دیدگاه این بخش، تنها چیزی که لازم بود، مسلح کردن مردم و به راه انداختن جنگ خلقی یا انقلاب خلقی بود؛ آنگاه سرنگون کردن حکومت و حرکت به سمت سوسیالیسم آسان خواهد بود. و این دیدگاه به انشعاب دیگری منجر شد. جدایی و انشعاب سه‌گانه در جنبش کمونیستی هند از اینجا ریشه گرفت.

اینها تجربه‌های تأسف‌باری برای ما بوده است، اما من فکر می‌کنم این روندها در بسیاری از کشورها اجتناب‌ناپذیر بوده است. این جدایی‌ها در بسیاری از کشورهای منطقه ما رخ داده است. اما ثابت‌قدمی ایدئولوژیک پیرامون تحلیل مشخص از شرایط مشخص، و بر این اساس، تعریف مرحلهٔ انقلاب دموکراتیک خلق و رهبری لازم برای تحقق آن [قابل‌توجه] است.

اشتراک مبهم و نامشخص رهبری بین بورژوازی یا بورژوازی ملی با طبقهٔ کارگر چیزی است که تجربهٔ ما به ما آموخته است و ما آن را رد کرده‌ایم و هرگز این موضع را دنبال نخواهیم کرد. تا آنجا که به ما مربوط می‌شود، انقلاب دموکراتیک خلق فقط زمانی که همهٔ طبقات استثمار شده در یک ائتلاف طبقاتی متحد بشوند که جبههٔ دموکراتیک خلق است، می‌تواند زیر رهبری طبقهٔ کارگر موفق شود. همین جبههٔ دموکراتیک خلق است که باید کارگران و دهقانان را متحد کند و بر اساس همین قدرت اتحاد کارگران و دهقانان، مبارزات استثمارشده‌ترین طبقات جامعه را یکپارچه کند. دست‌کم در هند، این طبقات استثمارشده عبارتند از طبقهٔ کارگر، دهقانان هند و به‌ویژه دهقانان کوچک، و کارگران کشاورزی.

وحدت در مبارزه است که به مبارزات طبقاتی بر اساس این هسته حدّت می‌بخشد، و وحدت طبقاتی لازم برای شکل‌گیری جبههٔ دموکراتیک خلق را به وجود می‌آورد که زیر رهبری طبقهٔ کارگر، انقلاب دموکراتیک خلق را هدایت خواهد کرد. و همهٔ اینها در پس زمینه و بستر تحولات بسیار خطرناکی رخ می‌دهد که امروزه در هند در حال وقوع است. در پی بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ شاهد چرخش به راست هستیم، و پس از همه‌گیری کووید، این چرخش به راست شدیدتر شده است. امروزه تمام تلاش بر این است که نارضایتی رو به رشد مردم در برابر ناتوانی نولیبرالیسم در ارائهٔ جایگزین، یا ارائه راه‌حلی برای بحران اقتصادی‌ای که خود ایجاد کرده است، سرکوب یا به انحراف کشیده شود. ورشکستگی نولیبرالیسم در همه‌جا آشکار است. با این حال، همان مسیر به منظور حداکثرسازی سود، که به معنای حداکثرسازی استثمار مردم است، ادامه دارد. مبارزات زحمتکشان با این استثمار در بسیاری از نقاط جهان در حال گسترش است. اگر بخواهند این مبارزات را کنترل کنند، آن وقت باید ذهن مردم را بر اساس شعارهای عاطفی حول نژادپرستی و بیگانه‌هراسی به راه‌های مخرّب منحرف کنند. در کشورهایی مانند هند، این کار با بهره‌گیری از فرقه‌گرایی یا تنش‌های مذهبی در جوامع مذهبی گوناگون صورت می‌گیرد. و همین روند را در برخی کشورهای دیگر شاهد بوده‌ایم که در آنها از تفاوت‌های جوامع قومی برای ایجاد تفرقه در میان مردم، ایجاد مناقشه‌های قومی و فرقه‌یی، درگیری‌های مذهبی، یا درگیری‌های نژادی بر اساس رنگ پوست استفاده می‌شود. آن چرخش سیاسی راست‌گرایانه، به ظهور و قدرت‌گیری نیروهای نوفاشیست در سراسر جهان منجر شده است. این نیز بخشی از جریان کلی برای حفظ نولیبرالیسم است. وظیفه ما در این زمینه، وظیفهٔ کمونیست‌ها، این است که استثمارشده‌ترین بخش‌های جامعه را متحد کنیم که هستهٔ اصلی اتحاد طبقاتی لازم برای جبهه دموکراتیک خلق را تشکیل خواهد داد، و زیر رهبری طبقه کارگر، از راه تقویت کارگران و دهقانان، انقلاب دموکراتیک خلق را رهبری خواهد کرد.

بنابراین، به طور خلاصه، از این راه است که ما سعی می‌کنیم جنبش انقلابی را در هند به پیش ببریم. اما همان‌طور که قبلاً اشاره کردم، در انتها واقعاً مایلم بگویم که اصل خدشه‌ناپذیر تشخیص مراحل تحوّل چقدر مهم است؛ اینکه ویژگی هر مرحله چیست، استراتژی لازم برای تکمیل آن مرحله کدام است، و ماهیت انقلاب چیست و انقلاب به چه شکلی رخ خواهد داد. آیا از راه خشونت خواهد بود یا به شیوهٔ دموکراتیک و مسالمت‌آمیز، یا از طریق گذار انتخاباتی صورت خواهد گرفت؟ همهٔ اینها بستگی به شرایط مشخص دارد، و تحلیل مشخص از آن شرایط مشخص امری بسیار مهم است.

ایران شرایط مشخص خود را دارد، و همان‌طور که به طور خلاصه گفتم، دوره‌های بسیار پرتلاطمی را گذرانده است، به‌ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران که موج دیگری از یورش‌ها [علیه نیروهای ترقی‌خواه] صورت گرفته است. حزب تودهٔ ایران امروزه پیگیرانه به پاسداری از مارکسیسم-لنینیسم و تحقق هدف والای نهایی و غایی رهایی انسان، یا رهایی نهایی جامعه و نوع بشر متعهد است. جاذبهٔ مقاومت‌ناپذیر مارکسیسم-لنینیسم که هر دو حزب ما در پاسداشت آن شریک‌اند، در همین جاست. من به تمام حزب‌هایی که در این سمینار حضور دارند درود می‌فرستم؛ به‌خصوص به رفقایمان از اکل (حزب مترقی زحمتکشان قبرس)، رفقای حزب کمونیست عراق، رفقای حزب کمونیست لبنان، رفقای حزب کمونیست سودان، و رفقایمان از حزب کمونیست آفریقای جنوبی. همچنین، به همه رفقای دیگری که در این همایش حضور دارند یا در جریان این همایش به آن خواهند پیوست، درود می‌فرستم.

درودهای برادرانه و سرخ ما و همبستگی ما برای تقویت جنبش بین‌المللی کمونیستی در مقابله با حمله‌های بی‌امان امروزی امپریالیسم، تقدیم به همهٔ شما.

با تشکر مجدد از شما.

سلام و درودهای برادرانهٔ ما تقدیم به همهٔ شما.

در سوگ مبارزی پیگیر در راه طبقهٔ کارگر و زحمتکشان ایران

با کمال تأسف مطلع شدیم رفیق علی یزدانی، مبارز راستین راه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن، شاعر، نویسنده، کارگران تاتر و سینما، هفتم آذر ۱۴۰۰ در اثر بیماری سرطان درگذشت. رفیق یزدانی مبارزی پرشور و معتقد بود که تا آخرین دم های زندگی به راه و آرمان های حزب طبقهٔ کارگر ایران وفادار ماند و زندگی و مبارزه اش نمونه درخشانی از خود گذشتگی و فداکاری بود.

رفیق یزدانی از بازماندگان سازمان زیر زمینی نوید بود که در یورش سراسری رژیم ولایت فقیه در سال ۱۳۶۲ دستگیر و روانه شکنجه گاه های جمهوری اسلامی شد. رفیق یزدانی در زندان با پایداری در مقابل شکنجه گران رژیم حاضر به دست کشیدن از اعتقاداتش نشد و پس از آزادی از زندان دوباره به عرصهٔ مبارزه بازگشت. حزب تودهٔ ایران درگذشت رفیق علی یزادنی، مبارز راه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن مان را به همه بازماندگان، رفقای توده ای و کوشندگان راه کارگران و زحمتکشان میهن ما تسلیت می گوید.

به این مناسبت اطلاعیه ای از سوی "اتحادسراسری بازنشستگان ایران" به تاریخ ۹ آذر به هنگام مراسم به خاک سپاری رفیق یزدانی منتشر شد که ما متن آنرا در اینجا نقل می کنیم:

"زنده یاد علی یزدانی درتمام طول عمر خود کارگر و فرزند طبقهٔ کارگر بود. او در سال ۱۳۳۶ در محله دروازه غار، از محلات کارگرنشین جنوب تهران در خانواده ای کارگری بدنیا آمد. به قول خودش، همیشه کودک کار بود.

آگاهی عمیق طبقاتی و ستودنی او ریشه های عمیقی در زندگی وتجربیات مستقیم وی داشت . و همین تجارب و دانش از نوجوانی اورا به مبارزه طبقاتی و سرانجام به مبارزه با رژیم شاه کشاند .وی با انتخاب سوسیالیزم و مبارزه عملی در راه سعادت و سیادت طبقهٔ کارگر ،قبل از انقلاب بهمن ۵۷ به سازمان نوید، سازمان وابسته به حزب توده ایران پیوست.

با شرکت فعال در سرنگونی رژیم شاه ضمن عضویت در سازمان مخفی حزب هم زمان بعنوان کارگر در شرکت های مختلف نفتی و پتروشیمی کارگری می کرد.

بعداز پیروزی انقلاب و فعالیت های سیاسی و کارگری پرشور درسال ۱۳۶۲ همزمان با یورش سراسری رژیم ج.ا.ا. به حزب توده ایران، دستگیر و به مدت پنج سال با همرزمان دیگرش، همچون زنده یاد ،دکتر هاشم بنی‌طرف درزندان به سربرد.

بعداز آزادی از زندان همزمان با کار درشرکت های مختلف پروژه ای نفتی، ادامه تحصیل داد و با روحیه هنرمندانه ای که داشت در رشته سینما وکارگردانی قبول شد. فعالیت شدید در دوعرصه کار وتلاش برای معاش خود و خانواده و تحصیل هنر، برای جان شیفته‌ی او درعین سختی، اما امیدوارانه بود. اما بزودی پی برد که دیدگاه رزمنده و رادیکال وی، امکان کار درعرصه فیلم سازی را ندارد.

زنده یاد علی یزدانی با قریحهٔ هنری کم‌نظیر خود، به عرصه شعر و ادبیات رو آورد و شروع به سرایش اشعار اجتماعی و متعهد و مردمی خود کرد. اشعار وی که تنها یک جلد آن درخارج کشور به چاپ رسید آیینهٔ تمام نمای اعتقادات عمیقاً سوسیالیستی و رادیکال وی و ایمان به طبقهٔ کارگرند.

علی یزدانی از دهه هفتاد تا لحظهٔ وداع با خانواده اش درعین تمایلات هنرمندانه در اغلب فعالیت‌های کارگری حضور و مشارکت داشت و از پیشروان آگاه مبارزات صنفی و مطالباتی کارگران و زحمت‌کشان بود و دمی از مبارزه دست برنداشت.

زنده یاد علی یزدانی، از زمان تاسیس اتحاد سراسری بازنشستگان ایران با حفظ فعالیت درراه مبارزه برای منافع طبقاتی کارگران، مبارزه برای بهروزی بازنشستگان را نیز درپیش گرفت و عضو هیات مؤسس اتحاد سراسری بازنشستگان ایران شد .

وی که از قبل از بیماری خود آگاه بود وبرای عدم نگرانی دوستانش آن را پنهان می کرد. اما برغم تمامی تلاش‌های خانواده مهربان اش که لحظه ای از مراقبت او چشم بر نداشتند و برغم درمان چندین ماهه شیمی درمانی، سرانجام مقهور بیماری شد و صبح روز هشتم آذر دیده ازجهان فروبست. زنده یاد علی یزدانی، تا واپسین روزهای عمر پربار خود به سوسیالیزم و دیدگاه سیاسی خود وفادار ماند.

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران ،ازدست دادن این مبارز آگاه و تا آخر رزمنده را به خانواده، دوستان و به رفقای ایشان تسلیت می‌گوید.

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، باخاموشی چنین قلب مهربان و ذهن فروزانی، یکی از بهترین اعضای هیات مؤسس خودرا ازدست داد. فقدان یک چنین همرزمی برای ما، ضایعه ای جبران ناپذیر است. اما تاثیرات گرانبها ی ایده ها و اندیشه های وی برای همرزمان وی بسیار ارجمند است.

علی یزدانی دردل های خانواده و دوستدارانش همواره زنده است.یاد عزیزش، همواره عزیز و گرامی خواهد ماند. "

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

نهم آذر یکهزار و چهارصد

۱۴۰۰/۰۹/۰۹

سرود «نوروز پای بسته»

تا ز استثمارشان پنهان شده خورشید جان
تا ابد اما نمی‌ماند چنین مهر جهان
ما ز شمع جان خود مشعل فروزان می‌کنیم
تا برابر خواهی ما خود بتابد جاودان

خورشید پنهان پس بتاب
جاری بگردد این یخ آب
اي بلبلان گل‌نغمه‌ای
باید بجوشد چشمه‌ای
بر پا زمستان بشکنید
آتش به ارکانش زنید
بر ما نباشد این روا
نوروزمان بندش به پا

تا ز کولاك زمستان رویش گل شد حرام
گم شد از تاریخ ما فصل نمو، روز قیام
گر چه پاشیدم ز بذر دل که گل روید نشد
کاش یك دم سر برآرد گل‌بهار انتقام

ای کارگرهای جوان
زحمت‌کشان ای همرهان
با وحدت نیروی خود
این سرزمین را وارهان
بار دیگر خیز و به پا
چون مزدك و بابك برآ
بر ما نباشد این روا
نوروزمان بندش به پا

علی یزدانی

چالش‌های حزب کمونیست در پی انتخابات پارلمانی در جمهوری چک

نوشتهٔ کنراد لاندین

پس از شکست انتخاباتی‌ای فاجعه‌بار که از ورود یکی از موفق‌ترین حزب‌های کمونیست اروپا به پارلمان جمهوری چک مانع شد، یاروسلاو رومان، مسئول روابط بین‌الملل حزب کمونیست بوهم و موراوی، دربارهٔ چالش‌هایی که نیروهای چپ با آن‌ها روبرویند با کنراد لاندین گفت‌وگو کرد.

از زمان سقوط پیمان ورشو، حزب کمونیست بوهم و موراوی (جمهوری چک) از نظر انتخاباتی یکی از موفق‌ترین حزب‌های کمونیست اروپا بوده است که همیشه در یکی از پنج مقام برتر لیست انتخابات پارلمانی جمهوری چک قرار داشته است. در ماه گذشته، این وضعیت تغییر کرد و پس از حکمرانی نیروهای تحت‌الحمایهٔ نازی‌ها در سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵(۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ خورشیدی)، در پارلمان سرزمینی که جمهوری چک امروزی را تشکیل می‌دهد برای نخستین بار هیچ کمونیستی در آن راه نیافته است. در انتخابات ماه اکتبر امسال میزان رأی‌های هر دو حزب کمونیست و سوسیال‌دموکرات چک از حد نصب لازم برای ورود به پارلمان کم‌تر بود.

یاروسلاو رومن می‌گوید: "این فقط یک شکست ساده نبود، بلکه همان‌طور که عموماً در حزب پذیرفته شده است شکستی تاریخی بود. صادقانه بگویم، مردم شوکه شده‌اند. انتظار چنین شکست سنگینی را نداشتیم." رومن این گفت‌وگو با مورنینگ استار را اندکی پس از کنگرهٔ فوق‌العادهٔ حزب انجام داد، کنگره‌ای که در آن کاترینا کونکنا- نماینده پارلمان اروپا و معاون سابق دبیر کل حزب- به مقام رهبر جدید حزب انتخاب شد.

رومن /در دفتر باشکوه حزب در پراگ، در ساختمانی که دفتر روزنامه کمونیست-هالونُوینی- با آن شریک است، دربارهٔ میزان چالشی که هم‌اکنون حزب با آن روبرو است بی‌پرده سخن می‌گوید. "در این انتخابات، ۱۹۳ هزار رأی به‌دست آوردیم. ولی در انتخابات سال ۲۰۱۳/ ۱۳۹۲ ما ۷۵۰ هزار رأی کسب کردیم. بنابراین در این انتخابات فقط پایگاه اجتماعی قوی حزب بود که به کمونیست‌ها رأی داد."

دلیل اصلی شکست حزب کمونیست بوهم و موراوی را به‌طور گسترده به تصمیم این حزب در حمایت از دولت قبلی جمهوری چک نسبت می‌دهند. این دولت، دولتی ائتلافی بود با حزب پوپولیستی "آ ان او ۲۰۱۱" به‌رهبری آندری بابیس و با ترکیب مجموعه‌ای از سیاست‌های حزب‌های مختلف اما درنهایت محافظه‌کار. رومن می‌پذیرد که تصمیم به حمایت از این دولت خشم بسیاری را برانگیخت. او می‌گوید: "این بحث که آیا حمایت از دولت بابیس کار درستی بود یا خیر، در کنگره نیز مطرح گردید، زیرا آشکارا به‌قیمت رأی‌های ما تمام شد. ما این را از پیش می‌دانستیم و اگر هم به گذشته بنگریم می‌بینیم زمانی که کمونیست‌های فرانسوی و ایتالیایی وارد دولت شدند برایشان هزینه در بر داشت، هزینه‌ای بسیار گران."

در مورد سوسیال‌دموکرات‌های جمهوری چک که برخلاف کمونیست‌ها وارد ائتلاف رسمی با بابیس شدند، رومن می‌گوید که آنان درنهایت تمام کرسی‌های‌شان را از دست دادند چون "اعتماد مردم را از دست دادند." او می‌گوید سوسیال‌دموکرات‌ها تنها "از دو ماه پیش از انتخابات بود که مانند یک نیروی سیاسی چپ رفتار می‌کردند و در واقعیت امر "اپورتونیست" بودند. رومن هشدار می‌دهد: "من یک آدم منفی نیستم. حزب سوسیال‌دموکرات قدیمی‌ترین حزب در جمهوری چک است. سوسیال‌دموکرات‌ها در نقشه سیاسی اینجا جایگاه خودشان را دارند و من مطمئن هستم که فعالیت‌هایشان را از سر خواهند گرفت، ولی باید از طریق اشخاصی جدید و با سیاست‌هایی جدید."

به‌نظر رومن حزب کمونیست اما به‌هنگام تصمیم‌گیری درباره حمایت پارلمانی از دولت بابیس، در تنگنا قرار داشت. او می گوید: "از نظر ما، بد نیست به خاطر داشته باشیم که تشکیل دولت با مشکل همراه بود. هفت ماه طول کشید. ما باید تصمیم می‌گرفتیم، [بنابراین] ابتدا اصرار داشتیم که

Morning Star

After the elections: Communism in the Czech Republic

After a devastating loss of support that saw one of the most successful Communist parties in Europe fail to enter parliament, international head JAROSLAV ROMAN speaks to Conrad Landin about how the nation's left can recover

داشتن یک دولت به‌منزله یک نیاز برای کشور جمهوری چک بود. انتخاب ما بین بد و بدتر بود. بنابراین ما بهتر از بدتر را انتخاب کردیم."

حزب کمونیست ناپسندیده بودن این تصمیم حزب از سوی مردم را چگونه توانست گردن بگیرد؟ رومن معتقد است که دگرگونی نسل‌ها و جناح‌ها که در کنگره فوق‌العاده رخ داد، بخشی از پاسخ است. او می‌گوید: "باید اعتراف کنم که اگرچه وجود فراکسیون‌های مختلف بر طبق اساسنامه حزب ممنوع است ولی واقعیت امر این است که دو فراکسیون در حزب وجود دارد. یک گروه که عموماً "محافظه‌کار" نامیده می‌شوند و از جانب [جوزف] اسکالا - نایب‌رئیس سابق حزب- و گروه دیگر "پیشروها" به‌رهبری کونکنا، نماینده پارلمان اروپا، رهبری می‌شوند. بحثی نیست که او پیروز انتخاب کنگره بوده است و صادقانه بگویم، ما به این انتخاب احترام می‌گذاریم. من نمی‌خواهم پیش‌بینی کنم که او موفق خواهد شد یا نه ولی او تنها کسی است که پیرامون خود تیمی از نسل جوان و میان‌سال دارد. حزب، بدون شک، به تغییر و تجدیدقوا در میان اعضا و رهبری نیاز دارد."

رومن که در دهه شصت زندگی خود است، تلاش‌های نسل‌های قبلی حزب را نادیده نمی‌گیرد ولی اظهار می‌دارد که حزب شدیداً به جذب رأی‌دهندگان و فعالان جوان نیازمند است: "میانگین سنی اعضای حزب در پراگ ۸۰ سال و در جمهوری چک ۷۰ سال است. ما در کارزار جذب جوانان در مقام هواداران حزبی موفق نبوده‌ایم."

او می‌گوید، این امر نیز بسیار مهم است که کمونیست‌ها نمایندهٔ جوانان رأی‌دهنده نیز باشند "زیرا اگر صادقانه درنظر بگیریم روند تصمیم‌گیری‌ها برای تأمین آینده آنان است." شکست انتخاباتی اخیر پیامدهایی آشکار برای امور مالی حزب خواهد داشت. رومن تأکید می‌کند که "نه‌تنها بر مرکز حزب و رهبری، بلکه بر ایالات که پایگاه عمده حزب هستند نیز تأثیر خواهد گذاشت." درعین‌حال او امیدوار است که رهبری جدید بتواند رأی‌دهندگان جوان را جذب کند: "به‌نظر من کونکنا یک سیاستمدار بسیار بااستعداد است. او در دادن پاسخ‌های سرراست استعداد دارد و این همان چیزی است که جوانان می‌خواهند بشنوند."

رومن در این میان نگران است که حضور نداشتن نیروهای چپ در پارلمان چک موجب نادیده گرفتن حقوق بخشی از مردم جمهوری چک شود. "تعداد یک میلیون رأی از دست رفت که در شرایط عادی از حامیان نیروهای چپی بودند که به پارلمان راه نیافتند. اینان عمدتاً رأی‌دهندگانی هستند که هم‌اکنون خواست‌ها و نظراتشان در پارلمان مطرح نخواهد شد." این موضوع کار حزب را در پیشبرد برنامه‌اش دشوارتر می‌کند. رومن می‌گوید: "اینجا یک وضعیت انقلابی برقرار نیست. آنچه ما تبلیغ می‌کنیم و از آن دفاع می‌کنیم و تلاش می‌کنیم تا به مردم توضیح دهیم این است که همه ساختارها و شاخه‌های اقتصاد زیر کنترل دولت باشد، همان‌طور که هم‌اکنون در ارتباط با منابع انرژی می‌بینیم. دولت قدرت آن را دارد که از مسئولیت‌های قانونی‌اش استفاده کرده و بر تصمیم‌های شرکت اصلی [منابع انرژی] که در مالکیت دولت است تأثیر بگذارد. این را با این واقعیت که همه سیستم‌های تأمین آب ما در شرایطی بسیار بد در مالکیت فرانسوی‌ها یا اسپانیایی‌ها

ادامه در صفحه ۱۵

نمایندهٔ حزب چپ در پارلمان فدرال آلمان: «حزب چپ باید روی اصول بنیادی‌اش، یعنی عدالت اجتماعی و صلح، تمرکز کند»

مصاحبهٔ دستیار دبیرکل کمیته دفاع از حقوق مردم ایران "کودیر" (codir.net)با سویم داگدلن (SEVIM DAGDELEN)، نمایندهٔ برجسته و ترقیخواه حزب چپ در پارلمان فدرال آلمان، در مورد نتایج فاجعه‌بار این حزب در انتخابات فدرال آلمان در ماه سپتامبر و درس‌هایی که می‌توان از آن آموخت به نقل از روزنامهٔ "مورنینگ استار"

*****

س: نتایج انتخابات پارلمانی در آلمان در اواخر سپتامبر (مهر ۱۴۰۰) بسیاری از ناظران و مفسران سیاسی را شگفت‌زده کرد. آیا این نتیجه برای نیروهای چپ آلمان به طور کلی، و حزب چپ (Die Linke)به طور خاص، غیرمنتظره بود؟

ج: اُفت آرای حزب چپ ناامیدی تلخ و دردناکی برای حزب ما بود. اما در عین حال، نشانه‌های آن از قبل دیده می‌شد. غفلت رهبری سابق حزب در هشت سال گذشته از توجه به مسائل اجتماعی، موضوع‌های مربوط به عدالت اجتماعی، و دولت رفاه قوی، باعث شد که اعتماد کارگران کم‌درآمد و با درآمد متوسط، بیکاران، و بازنشستگان از ما سلب شود. ما باید به سقوط عظیم خود در قابلیت و شایستگی در برخورد با مسائل اجتماعی، که از آغاز جزو اصول پذیرفته شدهٔ ما بوده است، اذعان کنیم.

س: چه عواملی به سوسیال دموکرات‌ها (SPD)و حزب دموکرات آزاد (FDP)در کسب رأی و افزایش سهمشان در قدرت سیاسی آلمان کمک کرد؟

ج: نتایج این انتخابات نشان‌دهندهٔ روح زمانهٔ ما زیر سلطهٔ نولیبرال پیش‌رونده است. اکثریت شهروندان به حزب‌هایی مانند SPD، سبزها، و FDPرأی دادند که گرچه نوید مدرن شدن می‌دهند، ولی در واقع، شکاف اجتماعی بین اقلیت کوچک اَبَرثروتمند و اکثریتی را که روزبه‌روز فقیرتر می‌شوند تشدید می‌کنند. در مقابل اینها، حزب چپ هیچ برنامهٔ متمایز و برجسته‌ای از خود ارائه نداد. اگرچه دلایل شکست ما ریشه‌های عمیق‌تری دارد، اما حقیقت این است که دادن این تصور به مردم که حزب چپ حاضر است بدون قیدوشرط وارد دولت شود، حکم مرگ برای ما داشت.

بسیاری در داخل حزب ترجیح می‌دادند که به‌جای رعایت خطوط قرمز حزب، خودداری از موافقت با تضعیف و برچیدن دولت رفاه، و امتناع از رضایت دادن به جنگ، خود را به درست کردن تیم‌های مقدماتی احتمالی برای مذاکره در مورد ائتلاف مشغول کنند. این سیاست چیزی نبود جز توهّم خالص؛ هر دو حزب سبز و سوسیال دموکرات آشکارا نشان دادند که نمی‌خواهند برای ورود به دولت با حزب چپ متحد شوند. با وجود این، گویی نیازی به پیشبُرد کارزاری جناح‌محور احساس می‌شد.

س: واقعیت پنهانی نیست که حزب چپ و نیروهای چپ در آلمان در این انتخابات شکست سنگینی خوردند. آیا این به دلیل سیاست‌های جذاب یا عمل‌گرایانهٔ راست میانه بود یا اینکه در کارزار انتخاباتی و سیاست‌های اعلام شدهٔ حزب چپ اشتباه‌های اساسی صورت گرفت؟

ج: کارزار «جلوی آرمین لاشت را بگیرید «علیه نامزد محافظه‌کار (اتحاد دموکرات مسیحی) برای صدراعظمی، بدون هیچ انتقادی از رقیبان او- اولاف شولز (سوسیال دموکرات) و آنالینا بائرباک (سبزها)- در نهایت منجر به این شد که بسیاری از رأی‌دهندگان به حزب ما، مستقیماً به حزب سوسیال دموکرات و سبزها رأی دادند، یا به اردوی کسانی پیوستند که رأی ندادند.

اما یکی از علت‌های ریشه‌یی عمیق‌تر، فاصله گرفتن از کارگران و بیکاران بود که در طول هشت سال گذشته صورت گرفت. این تصور ایجاد شد که حزب چپ نه نمایندهٔ منافع این گروه‌هاست و نه به زبان آنها صحبت می‌کند. این روندی کاملاً مرگ‌بار است. ما داریم تاوان این فکر را می‌دهیم که به‌جای برخورد طبقاتی با مسائل، می‌توان به مسائل از منظر سیاست‌های هویتی [نژادی، قومی، مذهبی، جنسیتی...] پرداخت. این امر منجر به این برداشت در میان بخش بزرگی از مخاطبان اصلی ما شد که حزب ما نه به زبان آنها صحبت می‌کند و نه نمایندهٔ منافع آنهاست.

حمله‌هایی که از درون حزب به محبوب‌ترین سیاستمدار ما، سارا واگن‌کنشت، می‌شد نشان می‌داد که ما بیش از حد سرگرم دغدغه‌های خودمان بودیم. این امر به درگرفتن بحث‌های زیادی در حزب ما منجر شد. ما باید به‌جای تلاش برای درس دادن به مردم، بیشتر به حرف‌های آنها گوش کنیم.

س: حزب سبز در این انتخابات موفق بود. آیا آنها سیاست‌های رادیکالی در مورد بحران آب‌وهوایی و افزایش تنش‌های بین‌المللی داشتند؟ به‌ویژه از راه مربوط کردن این مسائل به اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری و نقش آلمان در سرمایه‌داری جهانی؟ موضع حزب چپ در کارزار انتخاباتی‌اش در مورد این مسائل چه بود؟

ج: استراتژی سبزها در موضوع حفاظت از آب‌وهوا بر شالودهٔ سیاست‌های نمادینی استوار است که به شرکت‌ها امکان فرار از زیر بار مسئولیت می‌دهد، و در ضمن، بر اثر افزایش کمرشکن قیمت‌ها، بار بیشتری بر دوش کارگران کم‌درآمد می‌اندازد.

حزب چپ نتوانست مخالفتش با سیاست نابکارانهٔ سبزها در مورد افزایش قیمت‌ها را با روشنی کافی مطرح کند. برداشت رأی‌دهندگان این بود که حزب چپ می‌خواهد سبزتر از سبزها باشد؛ اینکه هدف ما آن است که هرچه سریع‌تر مصرف زغال‌سنگ را متوقف کنیم و موتورهای درون‌سوز را از رده خارج کنیم؛ بدون اینکه هیچ سناریوی پذیرفتنی در مورد چگونگی تحقق این هدف‌ها ارائه دهیم، یا اینکه نشان دهیم چگونه هزینهٔ اجرای این طرح‌ها به دوش کارگران و شهروندان نخواهد افتاد.

موضع واقعی سبزها در مورد حفاظت از آب‌وهوا از گفت‌وگوهای آنها با حزب دموکرات آزاد در مورد تشکیل دولت ائتلافی با حزب سوسیال دموکرات مشهود است. هر دو حزب طرفدار انحلال «دویچه بان»، شرکت دولتی راه‌آهن آلمان، و خصوصی‌سازی آن‌اند و کمابیش از الگوی بریتانیایی در این مورد پیروی می‌کنند. لازم نیست پیامبر باشید تا پیش‌بینی کنید که این روند به کجا منجر خواهد شد: حفاظت کمتر از آب‌وهوا، بلیت‌های گران‌تر، خدمات ضعیف‌تر، امنیت کمتر، اما سود بیشتر برای شرکت‌های خصوصی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر برای الیگارش‌ها.

س: آلمان نیز مانند بیشتر کشورهای بزرگ سرمایه‌داری به طور کلی در مدیریت همه‌گیری کووید-۱۹ ناموفق و نامجهز بود، که پیامدهای وحشتناکی هم برای مردم کشور داشت. آیا در کنار دیگر پیامدهای سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی حاکم بر آلمان، این نیز موضوعی عمده در انتخابات بود؟

ج: متأسفانه نه. بحران کووید پیامدهای دردناک خصوصی‌سازی در بخش بهداشت و درمان و دیگر خدمات ضروری همگانی-دولتی را به‌خوبی روشن کرد. با وجود این، در طول این بحران، تعداد تخت‌های مراقبت‌های ویژه (آی‌سی‌یو) کاهش یافت و شرایط کاری کارکنان این بخش هم بهبود نیافت.

در حال حاضر بیش از 300هزار نفر از کارکنان کاملاً واجد شرایط بخش درمان در بخش‌های دیگر کار می‌کنند چون مزدها در بخش درمان نابسامان و شرایط کار بیش از حدّ بد است. در صورت بهبود مزدها و وضعیت نابهنجار کنونی، بیش از نیمی از این کارکنان حاضر به بازگشت به بخش درمان خواهند بود.

در عین حال، با بهره‌جویی از کارزارهای عمومی تلاش می‌شود با سرزنش کردن کسانی که هنوز واکسن نزده‌اند- که آن هم به‌خاطر سیاست‌های نادرست بهداشت و درمان خود دولت است- اذهان مردم را از مسئولیت دولت در وضعیت ناامیدکنندهٔ کنونی نظام بهداشت و درمان کشور منحرف کنند.

خودکامگی نولیبرالی جدیدی در حال ظهور است که هدفش پرده‌پوشی ضعف‌ها و شکست‌های ساختاری سرمایه‌داری از راه انحراف اذهان عمومی و نشانه گرفتن کسانی است که متفاوت می‌اندیشند، یا وانمود می‌شود که تفاوت فکری دارند.

ادامه در صفحه ۸

ادامهٔ شیلی: انتخابات تاریخی در ...

به‌تنهایی در اکثریت نیست. برای حرکت به جلو، ما مجبوریم بر اختلاف‌های خود غلبه کنیم. ما می‌خواهیم که قانون اساسی آینده منعکس کننده تحولاتی باشد که این کشور برای تأمین و تضمین احترام به حقوق شهروندان، ملت، و طبیعت به آن نیاز دارد."

در اطراف "میدان ایتالیا" در سانتیاگو، پایتخت شیلی، که پس از اعتراض‌های پاییز ۹۸ نامش به "میدان کرامت" تغییر یافته است، دیوارها پر از نگاره‌ها و کلمات قصار، شعارها، و مطالبات مردمی است. دو سال پس از آغاز جنبشی عظیم که شیلی را لرزاند، آثار آن روزها هنوز بر در و دیوار پیداست. در پای تصویر عظیم ویکتور خارا، خواننده و گیتاریست بنام شیلیایی که شکنجه‌گران رژیم پینوشه بدن او را مثله کردند و سپس وی را به قتل رساندند، چنین نوشته شده: "آن روزی که سیل عظیم تاریخ باز گردد، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید تا کجا خواهد رفت." شش ماه پیش، رأی‌دهندگان چهره‌های تازه‌ای را به مجلس مؤسسان فرستادند تا قوانین دورهٔ حکومت دیکتاتوری پینوشه را مدفون کنند؛ دریچه‌ای که جنبش مردمی به روی تحوّل پیشرو گشود.

میگل، که از ساکنان محله‌ای فقیرنشین است، می‌گوید: "در جریان جنبش اکتبر [پاییز ۱۳۹۸]، ساکنان محله‌های فقیرنشین خشم خود را که از سال‌های ۱۹۶۰ [۱۳۴۰] انباشته شده بود، بروز دادند. ما توان و قدرت بسیج مردمی را دوباره کشف کرده بودیم. خشم علیه بی‌عدالتی اجتماعی و دوری از سیاست را به یاد می‌آورم. مدت زیادی است که ما را رها و فراموش کرده‌اند؛ نامرئی شده‌ایم: باید به کار کردن، مصرف کردن، و ماندن در خانه راضی باشیم. احساس اکثریت مردم، حتی در میان کسانی که رأی می‌دهند، این است که تا کنون هیچ‌کس ما را نمایندگی نکرده است. در مورد احتمال تغییر واقعی ناامیدی‌هایی وجود دارد، زیرا هنوز هیچ نشانی از جایگزین مردمی دیده نمی‌شود. همهٔ 'آنها' برای ماندن در این نظام اجماع دارند؛ نظامی که ما را از زندگی و رشد کامل انسانی بازمی‌دارد."

ولانتینا میراندا ۲۱ ساله، جوان‌ترین عضو انتخاب شده در مجلس مؤسسان قانون اساسی، که او نیز در محله‌ای فقیرنشین در جنوب شهر ساکن و در ضمن عضو حزب کمونیست شیلی است، در نخستین سخنرانی‌اش پس از انتخاب شدن، شرایط وحشتناک زندگی طبقات زحمتکش و خانوادهٔ خودش را توضیح داد که شیلی را متأثر کرد. او بر این باور است که "نتیجهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس هرچه باشد، بسیج اجتماعی قدرتمند این پنج سال اخیر ادامه خواهد داشت... جنبش ۲۰۱۹ [۱۳۹۸] بذر تغییر فرهنگی عمیقی را کاشت. مردم دیگر حاضر به تحمل [وضع سابق] نیستند .«مانوئلا رویو، تاریخ‌نگار و وکیل دادگستری جوان و عضو منتخب مجلس مؤسسان جدید، نیز باور دارد که کشور "با امیدهای مردمی، میل به تحقق دگرگونی‌های عمیق دارد." گابریل بوریک، نامزد جناح چپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، امیدوار است که بتواند امید را به زحمتکشان بازگرداند و کسانی را که به خاطر ناامید بودن به پای صندوق‌های رأی نرفته‌اند (۵۳ درصد ثبت‌نام شدگان) متقاعد کند که به اردوی قانون اساسی جدید که ۸۰ درصد مردم خواهان آن‌اند بپیوندند، و اختلاف اندک وی با نامزد راست‌گرا را برای پیروزی‌اش در دور دوم انتخابات جبران کنند. او در برابر طرفدارانش گفت: "ما به خیابان‌ها نرفتیم تا همه‌چیز همان‌طور که هست باقی بماند." او از "برنامه‌ای متحول‌کننده، جدی، و مسئولانه" سخن گفت و دفاع کرد.

دانیل حدو، شهردار کمونیستِ شهر و ناحیهٔ رکولتا در استان سانتیاگو و کاندیدای دورهٔ پیش انتخابات ریاست‌جمهوری، به پرسشی در مورد جزئیات برنامهٔ کاندیدای چپ و چگونگی تنظیم آن و نقش حزب کمونیست شیلی چنین پاسخ داد: "تنظیم برنامهٔ مشترک ائتلاف چپ متشکل از ۸ حزب با بیش از ۹۰ درصد همگرایی، در روند تلاشی همگانی انجام پذیرفت. به همین دلیل است که این برنامه تا حد زیادی همان برنامه‌ای است که حزب کمونیست پیشنهاد داد و ما می‌خواهیم که این برنامه اجرا شود. حزب کمونیست با تمام قوا در کارزار انتخاباتی گابریل بوریک فعالیت می‌کند. من برای جلب حمایت مردم از نامزد ریاست‌جمهوری خودمان، و همچنین حمایت از نامزدهای خودمان برای انتخابات مجلس و سنا، به مناطق زیادی سفر و با مردم گفت‌وگو کردم. همچنین، لازم بود ۷۰۰ هزار رأی‌دهنده‌ای را که در انتخابات مرحلهٔ اول به کاندیدای حزب کمونیست رأی داده بودند متقاعد کنم که در دور دوم به کاندیدای ائتلاف چپ رأی دهند. این ائتلاف برای ما اتحادی درازمدت است. ما خواهان دولتی مترقی هستیم که تحولات مورد نیاز کشور را عملی کند. دولت برای برآوردن خواست‌های مبرم مردم، تأمین حمایت‌های اجتماعی، و بازنشستگی به منابع جدید نیاز دارد."

دانیل حدو دربارهٔ همکاری ائتلاف چپ با دیگر نیروهای دموکرات می‌گوید: "ما آماده‌ایم که دیگر نیروهای سیاسی به ما بگویند که برای مشارکت و همکاری کردن در فراخوان رأی‌گیری، مایل‌اند که چه مواردی به برنامه اضافه شود. ما می‌توانیم در مورد امکان گنجاندن کسانی که بیشترین همگرایی را با برنامه ما دارند، گفت‌وگو کنیم. گابریل بوریک برای دور دوم انتخابات در حال انجام چنین مذاکراتی است."

ادامهٔ چالش‌های حزب کمونیست در پی ...

قرار دارند باید قیاس کرد. بیم دیگر ما این است که نیروهای ضد کمونیستی هم‌اکنون در پی سرکوب حزب و هواداران سلف آن یعنی حزب کمونیست چکسلواکی برآیند. رومن خاطرنشان می‌کند که حزب‌های کمونیست در دیگر کشورهای اروپای شرقی ممنوع شده‌اند و "سؤال این است که آیا ما قدرت مقاومت خواهیم داشت؟ حتی اندکی پیش از انتخابات، در پارلمان پیشنهاد شد که قانونی تصویب شود تا حقوق بازنشستگان شاغل در رژیم سابق (مانند اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست یا کارمندان نیروهای امنیتی) کاهش یابد. این طرح می‌تواند هم‌اکنون که نیروهای راست نه‌تنها در پارلمان بلکه در مجلس سنا هم اکثریت مطلق را دارند در دستور کار قرار گیرد.

رومن قاطعانه بر این نظر است که حزب کمونیست بوهم و موراوی همانند دیگر حزب‌های چپ اروپایی در دوران پس از شکست‌های سنگین مبادا دچار انشعاب شود. حزب کمونیست بوهم و موراوی هم‌اکنون با رقیبی جدید به‌نام حزب "چپ" که سال گذشته با ادغام دو "حزب ابتکار چپ واقعی" و "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" - حزبی که کاندیداهای انتخاباتی‌اش در گذشته بیش‌تر در لیست کاندیداهای حزب کمونیست بوهم و موراوی حضور داشتند - تشکیل شد روبرو است.

به‌نظر می‌رسد که حزب چپ جمهوری چک از حزب چپ آلمان الگوبرداری شده است، ولی این حزب در انتخابات اکتبر فقط چند صد رأی به‌دست آورد. به‌گفته رومن "این حزب بسیار کوچک است ولی ما برای همکاری با آن آماده‌ایم. فعلاً تصمیمی برای تغییر نام حزب کمونیست بوهمیا و موراویا وجود ندارد، ولی ما در سال آینده انتخاباتی در پیش رو داریم که ممکن است زیر نام "اتحاد چپ" یا فقط با نام "حزب کمونیست" در آن شرکت کنیم که هنوز جای بحث و گفت‌وگو دارد."

رومن همچنین از تأثیر "سیاست‌های هویتی" در ایجاد شکاف بین نیروهای چپ در سراسر اروپا نگران است. او از دیگر حزب‌های چپ اروپایی به‌دلیل اولویت دادن‌شان به چنین سیاست‌هایی انتقاد می‌کند و تأکید می‌کند که حزب کمونیست بوهم و موراوی "حزبی است که می‌کوشد تا از منافع اکثریت قریب به‌اتفاق مردم دفاع کند." آیا او فکر نمی‌کند که می‌توان از آزادی گروه‌های زیر ستم حمایت کرد و درعین‌حال به مبارزه طبقاتی هم پرداخت؟ پاسخ رومن حاکی از آن است که حزب همچنان در تلاش است تا به مقولاتی بپردازد که نیروهای چپ در بسیاری از بخش‌های اروپا به‌صورتی قطعی در برنامه‌شان قرار داده‌اند. او می‌گوید: "اگرچه ما به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذاریم، ولی علاقه‌ای به این ظاهرسازی‌ها نداریم و از چنین راهکردی حمایت نمی‌کنیم." او همچنین می‌گوید که کمونیست‌ها در عوض، بر "جهانی‌شدگی و تأثیرش بر زندگی مردم عادی" باید تمرکز کنند. او می‌افزاید: "ما در اینجا مشکل‌هایی بزرگ مانند افزایش بهای انرژی و تورم ۵ یا ۶ درصدی و مسائل دیگر داریم. نیروهای چپ پیرامون موضوع‌های مشترک اصلی باید متحد شوند."

[به‌نقل از: روزنامه مورنینگ استار، نشریهٔ جنبش کارگری بریتانیا، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۱ / ۲ آذرماه ۱۴۰۰].

شیلی: انتخابات تاریخی در شرایط شکاف عمیق اجتماعی

آیا مطالبات جنبش مردمی وسیعی که در پاییز ۱۳۹۸ شیلی را تکان داد، در نتیجهٔ دور دوم انتخابات ریاست جمهوری شیلی در روز یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰ منعکس خواهد شد؟

شیلی در سال‌های اخیر خیزش اجتماعی بی‌سابقه‌ای را در خیابان‌ها از سر گذرانده است که نمایانگر شدت سرخوردگی مردم آن کشور از شرایط دشوار زندگی بر اساس الگوی نولیبرالی است. اگرچه بخش بزرگی از مردم شیلی رهبران دستگاه حاکم از همهٔ طیف‌ها را مسبب نابرابری کنونی و فساد حاکم بر کشور می‌دانند، کم نیستند آنانی که با شرکت کردن در جنبش اجتماعی منسجم سال‌های اخیر، در مورد گرفتاری‌های واقعی زحمتکشان و شیوهٔ پاسخ‌گویی دولت به این وضع پیگیرانه ابراز نارضایتی و اعتراض کرده‌اند. جنبش اجتماعی مردم شیلی دادخواست وحشتناکی علیه نولیبرالیسم به ارث رسیده از دورهٔ دیکتاتوری پینوشه است که سال‌ها در حال شکل‌گیری و قوام یافتن بود. در نتیجهٔ این جنبش، انتخابات مجلس مؤسسان برای تغییر قانون اساسی دورهٔ پینوشه، در اردیبهشت امسال برگزار شد تا این مجلس متن قانون اساسی جدیدی را به منظور اصلاح نابرابری‌های اجتماعی موجود تدوین کند. نخستین نشست این مجلس برای تعیین رئیس و نایب رئیس روز ۱۳ تیر امسال برگزار شد.

روز یکشنبه ۳۰ آبان، دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری شیلی در شرایطی برگزار شد که خشم جوانان و زحمتکشان از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به اوج رسیده بود. هم درصد شرکت‌کنندگان در رأی‌گیری و هم نتیجهٔ انتخابات نمایشگر نارضایتی مردم از تبعیض‌های اجتماعی و ادامهٔ الگوی اقتصادی-اجتماعی نولیبرالی بود.

نتیجهٔ نهایی آن انتخابات این بود که خوزه آنتونیو کاست، کاندیدای ۵۵ ساله راست افراطی از حزب جمهوری‌خواه شیلی، با کسب ۲۷٫۹۱ درصد آرا، و گابریل بوریک، نامزد جناح چپ، رهبر سابق دانشجویی، و منتخب ائتلاف چپ (از جمله جبهه وسیع و حزب کمونیست شیلی)، با به دست آوردن ۲۵٫۸۳ درصد آرا به دور دوم انتخابات راه یافتند. کاندیدای راست افراطی با اتکا به تبلیغات نوستالژیک دربارهٔ دورهٔ دیکتاتوری آگوستو پینوشه فقط در مدت یک ماه توانست خود را مطرح کند و در کارزار انتخاباتی پر از دروغ و تحریک‌آمیزی متمرکز بر نظم و امنیت، ارزش‌های اجتماعی محافظه‌کارانه، و مهار مهاجرت با اختلاف ۲ درصد آرا در صدر قرار گیرد. باربارا سپولودا، فمینیست و عضو مجلس مؤسسان، می‌گوید: "از این پس فمینیست‌ها و دیگر نیروهای دموکراتیک وظیفه بزرگی دارند: جلو راست افراطی و نقشه‌های فلاکت‌آور و وحشیانهٔ آن را بگیرند."

فرانکو پاریسی، یک افراطی لیبرال با گفتمان پوپولیستی که ساکن آمریکاست و به دلیل محکومیت حقوقی نتوانسته بود حتی در طول کارزار انتخاباتی در خاک شیلی حضور داشته باشد، با بسیج کردن فعالان آمریکایی در شبکه‌های اجتماعی، با کمال تعجب توانست با کسب ۱۲٫۸ درصد آرا در ردهٔ سوم قرار بگیرد. آرای او می‌تواند در دور دوم انتخابات ذخیرهٔ غیرمنتظره‌ای برای آنتونیو کاست، کاندیدای راست افراطی باشد.

با فاصله اندکی از سه نفر اول، سباستین سیشل با داشتن ۱۲٫۷۹ درصد آرا قرار دارد. او بار سنگین محبوب نبودن رئیس جمهور مستعفی راست‌گرای غرق در فساد و فرار مالیاتی را به دوش داشت که نظر منفی مردم به او و سقوط آرای او نقشی تعیین‌کننده در افزایش آرای خوزه آنتونیو کاست داشت. سباستین سیشل بلافاصله پس از اعلام نتیجهٔ اولیه انتخابات در همان یکشنبه شب، گفت: "با وجود 'اختلاف‌های' موجود، آمادهٔ گفت‌وگو با کاست است."

یسنا پرووست، نامزد دموکرات مسیحی مورد حمایت حزب سوسیالیست که ۱۱٫۶۱ درصد آرا را به دست آورد، گفت: "خوزه آنتونیو کاست نمایندهٔ روحیه‌ای تمامیت‌خواه و فاشیستی است، و ما نمی‌توانیم فاشیسم را تحمل کنیم." مارکو انریکز-اومینامی از حزب ترقی‌خواهان و ادواردو آرتس از اتحادیهٔ میهنی، از جمله کاندیداهای پیشرو بودند که در مجموع ۹ درصد آرا را به دست آوردند.

فابیولا جیرائو، استاد حقوق دانشگاه والپارایسو، نتیجهٔ انتخابات را چنین تحلیل می‌کند: "خوزه آنتونیو کاست، نسخه بدل رسمی بولسونارو و دوست نزدیک اوست که در تحسین پینوشه و میراث نولیبرالی‌اش با بولسونارو همفکر است. او که عضوی از قشر مسلط حکومتی است، با حمایت کلیساهای انجیلی، در طول مبارزات انتخاباتی بار دیگر ترس از کمونیسم را برانگیخت. او مصمم است که روند کار مجلس مؤسسان قانون اساسی را مختل کند؛ روندی که برای نخستین بار به مطالبات اجتماعی‌ای حقانیت داده است که تا کنون سرکوب شده بودند."

جیمز باسا، استاد دانشگاه و کارشناس قانون اساسی، در پاسخ به این پرسش که اگر در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری راست افراطی پیروز شود، چه بر سر مجلس مؤسسان قانون اساسی خواهد آمد که ۴ ماه پیش ۸۰ درصد مردم در آن شرکت کردند، چنین پاسخ می‌دهد: "فکر می‌کنم که این روند تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی به‌قدری محکم و استوار است که نتیجهٔ انتخابات [ریاست‌جمهوری] هرچه باشد، مجلس به کار و راه خود ادامه خواهد داد." او چنین ادامه می‌دهد: "جنبش اجتماعی و همه‌گیری کنونی کووید، ناتوانی عمیق دولت در برآوردن نیازهای مردم را برجسته کرد. مردم شیلی به دنبال جایگزینی تازه‌اند که خواست‌های اجتماعی آنان را برآورده کند."

الیزا لونسون، فعال حقوق بشر و از بومیان ماپوچه در شیلی که به عضویت مجلس مؤسسان انتخاب شده بود، در نخستین نشست این مجلس در ۱۳ تیر امسال، به ریاست مجلس برگزیده شد. او تجسم همگرایی جنبش‌های اجتماعی است که از پاییز ۱۳۹۸ پا گرفت. او در مورد هدف و عملکرد مجلس مؤسسان می‌گوید: "هیچ‌یک از نیروهای موجود

ادامه در صفحه ۱۵

کمک مالی رسیده

به یاد دانشجویان حماسه آفرین ۱۶ آذر از آمریکا ۱۰۰۰ دلار

6 December 2021

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

004930
23629727

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و «ای-میل»
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 1144
Central Organ of the Tudeh Party of Iran